

حقیقت

نشریه روزانه هفتمین جشنواره بین المللی فیلم مستند ایران - سینما حقیقت

۱۹ تا ۲۶ آذر ۹۲ تهران

سینما فلسطين - سینما سپیده

Felestin & Sepideh Theaters

Tehran 10-17 Dec 2013

The 7th CINEMA VERITE Iran International Documentary Film Festival



کاش CUT

پرونده امروز | بررسی ۱۰ جشنواره برتر سینمای مستند دنیا



08

امسال سال گذار سینمای مستند است

مهرداد اسکویی
در گفت و گو با آنتونیا شرکا

مستندسازان؛ دیده بانان در جست و جوی حقیقت

دکتر حجت الله ایوبی
رئیس سازمان سینمایی عنوان کرد

02

آینده سینمای مستند ایران

به روایت دکتر
محمد مهدی طباطبایی نژاد

هفتمین جشنواره سینما حقیقت در حالی برگزار می شود که محمد مهدی طباطبایی نژاد از نیمه راه سکان دبیری آن را در دست گرفت. او به تازگی و با تغییر دولت به عنوان مدیر عامل مرکز گسترش و سینمای مستند و تجربی و دبیر جشنواره انتخاب شده و فرصت زیادی برای اعمال همه برنامه های مورد نظرش در جشنواره رانداشته.

06

در جست و جوی حقیقت In Search of Truth

گفت و گو با سید شهاب حسینی، سفیر سینمای مستند ایران

Interview with Shahab Hosseini, the Ambassador of Iranian Cinema

نگاه اول

جشنواره حقیقت
 و بالا رفتن آمار
 مستندها



منوچهر مستیری / عضو هیات انتخاب جشنواره

فیلم‌های ارسالی امسال تقریباً ساختار تلویزیونی داشتند و تعداد آنها هم از سایر فیلم‌هایی که به جشنواره رسیده بودند، بیشتر بود. در این دوره نزدیک به ۱۷۰ فیلم ثبت‌نام کرده بودند که از این تعداد ۱۰۰ فیلم بالای ۶۰ تا ۷۰ دقیقه بود. این مسئله نشان می‌دهد که تعداد فیلم‌های مستند بلند ما رو به افزایش است. با وجود آنکه جشنواره‌های متعددی در بخش فیلم مستند وجود دارد، اما نباید فراموش کنیم که فیلمسازهای مستند به طور کلی مهجور هستند و باز هم تنها دلخوشی آن‌ها همین جشنواره‌هایی است که می‌توانند در آن‌ها کارهایشان را به نمایش بگذارند. مستندسازان این دوره خیلی بیشتر از مستندسازهای قدیم به جشنواره توجه نشان می‌دهند و حتی حاضرند برای ساخت فیلم از هزینه شخصی‌شان استفاده کنند تا از این طریق دیده شوند. البته حق هم دارند. یکی از مهمترین مزیت‌های برگزاری چنین جشنواره‌هایی، بالا رفتن آمار ساخت فیلم مستند است. همین اتفاق باعث می‌شود مسئولان سینمایی برای بهبود وضعیت ساخت فیلم و ایجاد امکانات برای آن‌ها تلاش بیشتری کنند و موقعیت‌های بهتری را فراهم کنند. تعدادی از مستندسازان با این هدف به فیلمسازی مستند وارد می‌شوند که از این طریق بتوانند راهی برای ساخت فیلم‌های داستانی پیدا کنند. این دسته از فیلمسازها نمی‌توانند درک درستی از فیلم مستند داشته باشند. در مقابل این افراد، فیلمسازانی هستند که سال‌ها در عرصه ساخت فیلم مستند تلاش می‌کنند و حتی مشکلات را تحمل می‌کنند. باید به این دسته از فیلمسازهای مستند توجه ویژه شود.

Increasing Number of Full-length Documentaries

The structure of the films sent to this year festival was almost in the form of telefilms. The number of our full-length films is increasing. Although there are a lot of festivals in the field of documentary film, we should not forget that documentary filmmakers are generally overlooked and these festivals are the only opportunities for them to show their work. Those who enter into the field of documentary filmmaking with the hope that one day they can make a fictional film are completely on the wrong side.

Manouchehr Moshiri
 Member of the Selection Committee

پیام‌ها

حرکت از واقعیت به سمت حقیقت

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، سینمای مستند را آینه‌دار واقعیت دانست

علی جنئی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در پیامی به هفتمین جشنواره سینما حقیقت، این جشنواره را به اعتبار وجه تسمیه خود آینه‌دار واقعیت معرفی کرد و گفت که اعتبار و اعتلای آن در گرو رسیدن به جوهر حقیقت تجلی پیدا می‌کند. مشروح پیام وزیر را بخوانید.



جست‌وجوی انسان در پی حقیقت، جست‌وجویی به بلندای تاریخ آدمی است. نزول وحی و ظهور پیامبران الهی، چراغی است تا این جست‌وجو را به حقیقت متصل کند و کژراهه و بیراهه را از صراط مستقیم بازشناساند. سینمای مستند پرسش‌گر است و پرسش در شکل متعهدانه خود، آستانه یافتن حقیقت است. رسیدن به کیمیای حقیقت، جز به جست‌وجوی مستمر میان شن‌ریزه‌های واقعیت ممکن نیست. واقعیت و حقیقت اگر چه به ظاهر مجاورند لیکن حرکت از واقعیت به سوی حقیقت، جوهر آرزو و آرمان اهل ایمان است. سینمای مستند به اعتبار وجه تسمیه خود، آینه‌دار واقعیت است؛ اما اعتبار و اعتلای آن در رسیدن به جوهر حقیقت تجلی می‌یابد. این نگاه جست‌وجوگر در بیان تلخی‌ها و ناکامی‌ها و نمایش سیاهی‌ها نیز به جست‌وجوی روشنی حقیقت می‌کوشد. مستندساز متعهد در میان خرده زغال‌های واقعیت، الماس حقیقت را جست‌وجو می‌کند و پیوند سینمای مستند با حقیقت‌جویی و حق‌گرایی، لباسی ممتاز و متمایز را بر اندام این گونه سینمایی پوشانیده است. آفرینش هنری با اتکا به تاریخ و موارث فرهنگی و بهره‌مندی از دستاوردهای معاصر بشری، یکی از مهمترین عناصر حفظ هویت ملی جوامع است. رویکردی که در جهان امروز سهم عمده‌ای از آن را سینمای مستند برعهده دارد. پیشینه غنی و شکوهمند فرهنگ ایرانی-اسلامی و اعتنا به این یگانگی فرهنگی، می‌تواند تکیه‌گاهی محکم برای سینمای مستند ایران باشد. مستندساز ایرانی در جهان گریزان و شتابناک امروز با تکیه بر این هویت استوار، عطر و طعمی دیگرگونه را به آثار سینمای مستند ایران داده است. هفتمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینما حقیقت» به فرمایش امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام مزین است که «حقیقت بهترین راهنما است». به این کلام مقدس تبرک می‌جویم و با امید به راهی روشن و هموار، از خداوند متعال برای همه هنرمندان، مستندسازان و دست‌اندرکاران این رویداد ارزشمند توفیق، شادکامی و بهروزی مسألت دارم.

مستندسازان؛ دیده بانان در جست‌وجوی حقیقت

رئیس سازمان سینمایی در پیامی به هفتمین جشنواره سینمای حقیقت، مستندسازان را روایتگر لمضات پربار زندگی معرفی کرد



تاریخ را سیاست می‌نویسد. تاریخ روایت افراتر آمیز کشورگشایان و فاتحان جنگ‌هاست. برق شمشیرها، غرش توپ‌ها، چاره‌اندیشی‌های مردان هزارتوی سیاسی را غالباً تاریخ می‌خوانند. در تاریخ اما گویی لحظه‌ها گم می‌شوند. از زندگی خبری نیست؛ اما زندگی همواره در جریان است. تاریخ یعنی لحظه لحظه زندگی انسان‌ها؛ لحظه‌هایی که می‌تواند پربار باشد از شکوه، عظمت و زیبایی. لحظه‌هایی که هر کدام آیه‌ای و نشانه‌ای از زیبایی خداوندگار زیبایی‌هاست. ثبت این لحظه‌های گمشده در هیاهوهای تاریخ، دیده‌بانانی می‌خواهد که سراپا دیده باشند. دلدادگانی که دیدن را آموخته‌اند. روایتگران لحظه‌های زندگی، غم‌ها، شادی‌ها و صبوری‌ها. آن‌ها که صدای سکوت را می‌شنوند و دل تاریکی را برای دیدن می‌شکافند. آن‌ها که پیوسته در جست‌وجوی حقیقت‌اند. آن‌ها که حقیقت را در لابه‌لای زندگی می‌جویند، تا نشان دهند که حقیقت زندگی تنها جنگ و صلح و شکست و پیروزی نیست. و ما امروز در دوران تازه‌ای که پُر است از امید به زندگی، جشنواره‌ای به نام حقیقت را برگزار می‌کنیم تا ارج نهم تلاش دیده‌بانان حقیقت را...

دروید بر مستندسازان

محمد مهدی طباطبایی نژاد برخلاف دبیران جشنواره‌های مختلف از ارائه پیامی طولیل و شعرگونه پرهیز کرده و به پیامی دو خطی اکتفا کرده است. او در این پیام تلگرافی با مخاطب قرار دادن مستندسازان و هنرمندان نوشته است:

با احترام و ارادت، به همه هنرمندان و مستندسازان عزیز کشورم درود می‌گویم و سلامتی و سربلندی‌شان را از خداوند متعال خواهانم.



گفته‌ها



نیکي کریمی

صرفاً در اختیار داشتن یک دوربین دیجیتال و جست‌وجوی یک سوژه باعث نمی‌شود کسی مستندساز شود، بلکه فیلمسازی نیاز به خلاقیت و آگاهی دارد. سینمای مستند روند بسیار خوبی را طی می‌کند. من از دیدن فیلم‌های مستند خوب فیلمسازان جدید در جشنواره‌های مختلف خوشحال می‌شوم و این در واقع نشان‌دهنده درک و شعور بالای مستندسازان است.



مهوش شیخ‌الاسلامی

شما ممکن است بدون سواد وارد عرصه هنر شوید؛ اما امکان ندارد که بدون داشتن آن بتوانید ادامه دهید، به همین خاطر شاید تکنولوژی ابزار فیلمسازی را در اختیارمان قرار دهد اما اگر ما دانش کافی در این باره را نداشته باشیم خیلی زود حذف خواهیم شد، به همین جهت نباید نگرانی پیرامون این موضوع داشته باشیم که ورود این پدیده باعث می‌شود که مستندسازان خوب در میان شلوغی کارها گم شوند.



مجتبی اعی

قطعا این جشنواره مهم‌ترین جشنواره مستند کشور است و بالاخره باید در یک مکان مشخص و در زمانی خاص فیلم‌های مستند در کنار هم قرار بگیرند و با هم رقابت داشته باشند و مورد ارزیابی قرار بگیرند و طبعاً این جشنواره نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. ایران کشوری پر از استعداد است و همیشه و در همه شرایط کارهای خوب دیده می‌شود و این اشتباه است که با همین چندتا کار خوب بخواهیم سطح مستند ایران را بررسی کنیم.



دیدار یک سیاستمدار نامدار با ماندلا در فلسطین

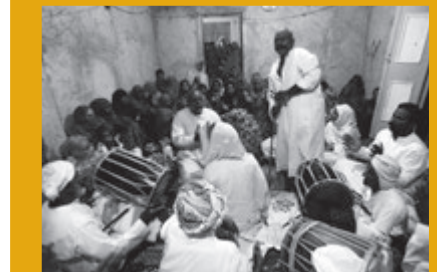
مستند نلسون ماندلا بی‌شک از جذاب‌ترین فیلم‌های جشنواره هفتم است. این مستند بلند که «نقشه صلح» نام دارد در کارکوس آگولو و مندی یا کوپسن ساخته‌اند و ابعاد شخصیت رهبر فقید جنبش ضدآپارتاید آفریقای جنوبی را بررسی می‌کند. قرار است یکی از چهره‌های مطرح سیاسی کشورمان که علاقه زیادی هم به ماندلا دارد، میهمان ویژه نمایش این فیلم باشد. این مستند ۸۵ دقیقه‌ای، ساعت ۱۴ روز یکشنبه ۲۴ آذر، در سالن شماره یک سینما فلسطین به نمایش درمی‌آید.

با لبخند وارد شوید لطفا!



سه‌شنبه، نوزدهم آذرماه ۱۳۹۲، ساعت ۱۱، سینما فلسطین وعده‌های فیلمسازان، مسئولان، اصحاب رسانه و علاقه‌مندان سینمای مستند است تا در محفلی صمیمی هفتمین جشنواره سینما حقیقت را جشن بگیرند. امسال سعی شده وزن معنوی برنامه آغازین بیشتر باشد و به جای برنامه‌های رسمی فعالان مختلف سینما حقیقت جشنی ساده و خودمانی داشته باشند؛ به صرف چای و شیرینی. پس از آن هفتمین دوره جشنواره سینما حقیقت به طور رسمی آغاز می‌شود و طی مدت ۷ روز، مستندهای منتخب ایرانی و خارجی در این سینما و سینما سپیده به نمایش عمومی درمی‌آید. برنامه نمایش افتتاحیه جشنواره هم به کارگردانی رضا عباسی اختصاص یافته است. این مستند درباره ابراهیم راننده تاکسی پایتخت است که احتمالاً شما هم سوار ماشین او شده‌اید. همان‌طور که می‌دانید شرط سوار شدن در این تاکسی لبخند است. روابط عمومی جشنواره از همه مستندسازان، دست‌اندرکاران سینما، دانشجویان، اهالی رسانه و علاقه‌مندان سینمای مستند برای شرکت در برنامه آغازین و دیگر برنامه‌های جشنواره دعوت کرده است.

نمایش ۲۰ مستند منتخب از جنوب



مرور فیلم‌های مستندسازان برجسته کشورمان از بخش‌های جذاب جشنواره هفتم است. در این بخش که «سینمای مستند جنوب» نام دارد، ضمن نمایش فیلم‌های منتخب ناصر تقوایی و سیدحسن بنی‌هاشمی و تجلیل از آن‌ها، بیست‌اثر برگزیده فیلمسازان جنوب به نمایش درمی‌آید. فیلم‌های اربعین، باد جن، مشهد قالی ساخته ناصر تقوایی، بازار نخل و راه دور دریا ساخته سیدحسن بنی‌هاشمی از جمله آثار این دو مستندساز توانمند کشورمان هستند که می‌توانید در جشنواره تماشا کنید. دیگر فیلم‌های این بخش این‌ها هستند: از نفس افتاده‌ها (عباس امینی)، ایران جنوب غربی (محمد رضا فرطوسی)، بهترین مجسمه دنیا (حبیب احمدزاده)، تهران ۹۵۵ (عارش کوردسالی)، دیوار (الهام حسین‌زاده)، رودخانه لیان (رامتین بالف)، سواحل خوزستان (حبیب علوانی)، سینما آزادی (مهدی طرفی)، القهوه (مرتضی مطوری)، کشتی نوح (سودابه باباگپ)، کوچه آلبالو (کریم فاتحیان)، لالایی جنگ (حبیب باوی ساجد)، مادرم بلوط (محمود رحمانی)، مجیده (ماجد نیسی)، مدرسه کوچک آرزوهای بزرگ (داریوش غریب‌زاده)، معبر (پهزاد وزیری)، میمند (سیدحسین صافی)، نخل‌های سوخته (فیماامامی)، نزدیک‌تر از نفس (پریوش نظریه)، نون و آتش (علی شهبانی‌نژاد).



رکورداران جشنواره هفتم

پنج مستندساز ایرانی با دو فیلم، در بخش‌های مختلف موضوعی هفتمین دوره جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت حضور دارند. فرهاد وره‌رام مستندساز پیشکسوت فیلم‌های «دیدار دوباره» در بخش تاریخی و «عروسی مقدس» در بخش میهمان را در جشنواره دارد. مهدی باقری پیر پسر را در بخش پرتزه، «دیوار» و «آخرین بوم‌نقاشی» را در بخش انقلاب اسلامی و دفاع مقدس دارد. از هوشنگ میرزایی «تفتان» در بخش دینی-آیینی و «دلتنگی‌های یک شهر»، در بخش سیاسی-اقتصادی به نمایش درمی‌آید. «جای خالی یک نفر» در بخش انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و «فیلم ناتمامی برای دخترم سمیه» در بخش سیاسی-اقتصادی آثار مرتضی پایه‌شناس هستند. علی زارع‌قنات‌نوی با «چراغ‌ها» در بخش «پرتزه» و «سفرنامه سیستان» در بخش قوم‌شناسی شرکت کرده است.



Falestin & Sepideh Theaters سینما حقیقت
Tehran 10-17 Dec 2013 تهران
The 7th CINEMA VERITE Iran International Documentary Film Festival سینما فلسطین - سینما سپیده

گفت و گو
شماره اول
سه شنبه ۱۹ آذر ماه ۹۴

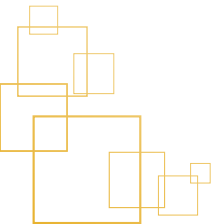
Cinema Is a Lie Which Needs the Truth

It is true that Shahab Hosseini has been active only in fictional films, but as he is very fond of documentary film, he was chosen as the ambassador of "Cinema Verite" International Documentary Festival in order to invite and encourage people to watch documentary film. In fact, documentary film is a kind of medium by which Shahab Hosseini find the answers to the questions he has in his mind. In our exclusive interview, he emphasized that he cannot accept the title of "ambassador" and does not know even their origins. "In fact, I recognize the documentary part as one of the main aspects of cinema", Hosseini said. He also added, "When I was informed that the 7th Cinema Verite Festival is going to be held soon, I felt that we should make an attempt to inform the public, so a larger number of the society welcome this festival". In the end, Shahab Hosseini expressed his feeling about this festival, "I'm very happy that Cinema Verite Festival exists. I've always been unable to understand the difference between the reality and the truth. I just know one thing; we see the reality but we should want to see the truth".



سینما، دروغی که به حقیقت نیاز دارد

شهاب حسینی که در جشنواره هفتم سینما حقیقت به عنوان سفیر سینمای مستند انتخاب شده در گفت و گو با نشریه روزانه از اهمیت این جشنواره و فیلم مستند می گوید



hematimahsa@gmail.com

مهسا همتی

درست است که شهاب حسینی فقط در سینمای داستانی فعالیت داشته اما آنقدر به سینمای مستند علاقه مند است که سفیر جشنواره سینما حقیقت شد تا مردم را به تماشای فیلم‌های مستند دعوت کند. اما او لقب «سفیر» که خبرگزاری‌ها برای او در نظر گرفته‌اند را قبول ندارد. در واقع سینمای مستند مدیومی است که حسینی از آن جواب سوال‌هایی که در ذهنش دارد را می‌گیرد. برای همین با او در حالی که مشغول فیلمبرداری آخرین پلان‌های اولین فیلم سینمایی‌اش بود به گفت‌وگو نشستیم. از وجود حقیقت در سینمای داستانی و حتی تخیلی گفتیم تا ضعف سینما در نپرداختن به مستند پشت صحنه. با این گفت‌وگو همراه شوید.

چه اتفاقی افتاد که در یک روز همه خبرگزاری‌ها از سفیر شدن شهاب حسینی گفتند؟

نمی‌دانم این القاب و عناوین از کجا می‌آید. واژه سفیر را نمی‌توانم بپذیرم اما در حقیقت من یکی از وجوه اصلی سینما را بخش مستند آن می‌دانم، چون از نظر تاثیرگذاری نه تنها از سینمای داستانی کم ندارد، بلکه به مراتب در خیلی از جاها موفق‌تر از فیلم‌های داستانی ظاهر می‌شود. علاقه من به فیلم مستند باعث شد وقتی فهمیدم هفتمین دوره جشنواره

سینما حقیقت نزدیک است احساس کنم که باید تلاشی کنیم تا آگاهی‌رسانی لازم انجام شود و بخش وسیع‌تری از جامعه از این جشنواره استقبال کنند.

شما تا به حال هیچ فعالیتی در زمینه مستند نداشتید. این علاقه به سینمای مستند از کجا آمده؟

جواب خیلی از سوالات ذهنی من ممکن است در این فیلم‌های مستند وجود داشته باشد، چون ما در فیلم مستند با حقیقت طرف هستیم دوربینی رفته و حقیقتی از زندگی‌ها،

محیط و شرایط مختلف را به تصویر کشیده. دیگر آن تصاویر ساختگی نیستند و این ارزش صدچندانی به این هنر می‌دهد. وقتی نام مستند می‌آید اولین چیزی که در ذهن عموم تداعی می‌شود حیات وحش و اکوسیستم است. من هم وقتی نوجوان بودم مستند را با فیلم‌هایی از حیوانات و طبیعت شناختم، بعدها با بخش‌های دیگر آن آشنا شدم و علاقه‌ام به این نوع سینما بیشتر شد. اما هنوز هم به مستندات زیست‌محیطی و تاریخی علاقه زیادی دارم. مدتی پیش مستند حیرت‌انگیزی دیدم به نام «باراکا» به معنی برکت. فیلم بدون گفتاری که با موضوعات مختلف رخدادهای طبیعی، زندگی، کارهای انسانی و پدیده‌های تکنولوژی در ۲۴ کشور جهان فیلمبرداری شده. زیبایی‌شناسی در آن کاملا به‌جا و درست کار شده بود. طبیعی بودن فیلم است که آن را آنقدر جذاب کرده بود. شاید اگر همین تصاویر در یک فیلم داستانی به کار می‌رفت تاثیرگذاری زیادی نداشت. می‌خواهم بگویم در سینمای مستند سوژه‌هایی وجود دارد که خیلی بهتر از سینمای داستانی می‌شود به آن پرداخت.

پس به نظر شما سرمنشا سینمای مستند و داستانی یکی است؟

به قول حسین محجوب، سینما، دروغی است که به صداقت احتیاج دارد. من این جمله را قبول دارم. حقیقت لازمه سینما است. میزان واقع‌انگاری قصه‌ای که در فیلم سینمایی پیش می‌رود نشان می‌دهد که سینما ریشه در مستند دارد. هر داستانی براساس یک زندگی یا شرایط حقیقی شکل گرفته. مثلاً جنگ جهانی دوم یک ماجرای حقیقی است که فیلم‌های سینمایی بسیاری درباره آن ساخته شده. اصل ماجرا واقعی است اما ممکن است داستانی از تخیل بیاید و بر بستر این زمینه شکل بگیرد و در نهایت تبدیل به فیلم شود. من به تخیل صرف اعتقاد ندارم. به نظرم تخیل هم ریشه در

فراهم می‌شود را نمی‌دانیم. آنهایی که مستندهای سطحی از پشت‌صحنه سینما ساخته‌اند و در انتهای دی‌وی‌دی فیلم به مردم قالب کرده‌اند، هیچ‌وقت فکر نکردند که با این کارشان دارند راه بروز خلاقیت در این حرفه را مسدود می‌کنند. چون اعتماد تماشاگر را نسبت به دیدن مستند پشت‌صحنه از بین می‌برند. تماشاگر فقط فیلم‌های پشت‌صحنه‌ای می‌بیند که فقط از تویپو زدن‌ها و لحظات خنده‌دار شکل گرفته. بحران‌هایی که آدم‌ها سعی می‌کنند آن را با صوری در پشت‌صحنه رد کنند را نشان نمی‌دهد. مثلا سر فیلمبرداری تب سرد یکی از ماشین‌های ما رفت روی جدول و چپ شد. ری‌اکشن علیرضا افخمی وقتی از ماجرا باخبر شد خیلی جالب بود. تا به او خبر را دادند به صورت چمباتمه روی زمین نشست و سیگارش را روشن کرد و شروع به کشیدن آن کرد. این ری‌اکشن‌ها ناب است، اینها در مستند پشت‌صحنه باید به تصویر کشیده شود. همین کاری که در آن موقعیت افخمی کرد را اگر من به عنوان بازیگر جلوی دوربین انجام می‌دادم همه می‌گفتند عجب بازی کرده بود و ممکن است جایزه هم می‌دادند. در حالی که در پشت‌صحنه هزاران اتفاق سیمرغی دارد اتفاق می‌افتد و هیچ‌کس نیست که آنها را به تصویر بکشد.

مستندات زیادی هستند که بازیگران سینمایی یا نریسور آن بوده‌اند یا راوی. حضور چهره‌های سینمایی چقدر می‌تواند در موفقیت آثار مستند تاثیرگذار باشد؟
پشت‌دوربینی که قرار است فیلم مستند بگیرد، حتما باید کارگردان خوش‌فکر و ایده‌ای وجود داشته باشد. آن چهره باید در خدمت یک خط سیر روایی درباره حقایق موردنظر در مستند باشد. مثلا اگر قرار باشد فیلم مستندی درباره تئاتر ساخته شود، اگر یک بازیگر معروف تئاتر راوی آن باشد می‌تواند به موفقیت آن کمک کند. هر چیزی باید سر جای خودش باشد. علاوه بر حوزه‌های مخصوص هنر، بازیگران با حضور در مستندات با محوریت آسیب‌های اجتماعی هم می‌توانند به تاثیرگذاری سوژه در ذهن مخاطب کمک کنند، چون آنها جزئی از جامعه هستند و با بازی در فیلم‌ها به جای آدم‌های زیادی زندگی کرده‌اند. اما اگر قرار باشد مستندی درباره نحوه تولید یک محصول صنعتی ساخته شود حضور راوی شناخته‌شده هیچ کمکی نمی‌تواند به آن بکند.

وابستگی سینمای داستانی به سینمای مستند چقدر است؟
تمام خروجی‌های ذهن ما تحت‌تاثیر شرایطی است که در اطراف ما وجود دارد. این شرایط مستند هستند. ریشه داستان در یک حقیقت است. مثلا لیلی و مجنون ریشه در حقیقت عشق دارد. حتی فیلم‌های تخیلی هم بر پایه مستندات است چون تخیل هم در همه آدم‌ها یک حقیقت است. همه چیز مستند است این شیوه روایت است که ممکن است متفاوت از هم باشند.

علاقه شما به مبحث ارتباط بین خالق و مخلوق کاملا مشخص است. دو سال پیش فیلم کوتاهی با همین مضمون ساختید، در فیلم «ساکن طبقه وسط» هم اشاره‌هایی به این مساله وجود دارد. فکر نمی‌کنید این ارتباط معنوی را در قالب مستند بهتر می‌شود نشان داد؟
به نظر من دریافت این احساسات در نهایت باید به یک تالیف ذهنی برسد. در مورد مستندات عرفان و رابطه با معبود اختلاف‌نظر وجود دارد. شاید اگر بتوان از این اختلاف‌نظرها چکیده‌ای جمع کرد و تبدیلشان کرد به یک مفهوم متعالی، آن‌وقت سلیقه‌ها و اعتقادات بیشتری را تعمیم می‌دهد. به هر حال کسانی که ممکن است گرایش‌های مذهبی متفاوتی داشته باشند در یک چیز مشترک هستند و آن هم احساسشان در مواجهه با یک اثر هنری است. مثلا فیلم مصائب مسیح مل گیسیون و یا محمد رسول‌الله مصطفی عقاد به واسطه ساختار و قدرتی که در ارائه محتوا و تناسب آن در فرم‌شان وجود دارد، می‌تواند هر مخاطبی را با هر دین و مذهبی تحت‌تاثیر قرار دهد. برای همین شاید در نظر گرفتن قالب داستانی برای حرف زدن از ارتباط انسان و معبودش، تاثیرگذارتر باشد. البته مستندهای زیادی در این باره ساخته شده. تلویزیون چند بار مستندی را نشان داده به نام مسلمانان که در آن مسلمانان کشورهای مختلف را نشان می‌داد. اتفاقا مستندهای موفق هم بودند.

حقیقت دارد. برای همین معتقدم سینمای مستند و سینمای داستانی سرمنشا مشترکی دارد. برای همین هم یک ربط ازلی به یکدیگر دارند. خوشبختانه الان نسبت به گذشته گرایش‌ها به این شاخه از سینما بیشتر شده. ولی متأسفانه رسانه ملی به طور جدی به مقوله مستند زیاد نمی‌پردازد. در حالی که در خارج از کشور شبکه‌هایی وجود دارد که فقط به مستند می‌پردازند و این باعث شده مردم به سینمای مستند بیشتر از قبل علاقه‌مند شوند. تلویزیون ما هم می‌تواند این روند را پیش بگیرد و جایگاه سینمای مستند را آن‌طور که در شان آن هست بالا ببرد.

البته جشنواره سینما حقیقت هم کمک زیادی به پیش‌برد سینمای مستند می‌کند.
بله. این جشنواره باعث می‌شود دیدگاه عموم به سینمای مستند تغییر کند و بیشتر از این سینما استقبال شود. چند وقت پیش دو تا مستند را درباره طبیعت ایران همزمان با هم دیدم. یکی از آنها را ایرانی‌ها و دیگری را یک گروه مستندساز حرفه‌ای از خارج ایران ساخته بودند. طبیعت ایران در فیلم دوم بسیار متفاوت با مستند خودمان دیده می‌شد. تصویر، رنگ، زیبایی‌شناسی و همه چیز آن از لحاظ ساختار متفاوت بود. شات‌هایی از طبیعت ایران نشان می‌داد که بیننده باورش نمی‌شد که چنین مناظری در ایران وجود دارد. ولی مستند داخلی که از طبیعت ایران تهیه شده بود صرفاً یک تصویرهای گزارشی بود. برای همین خیلی از معیارهای زیبایی‌شناسی یک فیلم مثل نور خوب، قاب‌بندی‌های درست و ... در آن رعایت نشده بود. کاملا مشخص بود که یک فیلم سفارشی برای تلویزیون بوده نه یک



هدفی به اسم بهره‌برداری بیشتر

متأسفانه سرلوحه تمام حرکات سینمایی ما اعم از داستانی و مستند، به سمت هزینه کمتر و بهره‌برداری بیشتر رفته. این قبلا یکی از اهداف پروژه بود، اما الان تنها هدف اکثر پروژه‌های سینمایی شده. در بررسی تاریخ سینمای داستانی و مستند می‌بینیم بیشتر از آنکه به بازگشت سرمایه فکر شده باشد روی جهانی شدن آثار تمرکز شده. «چو ۱۰۰ آید ۹۰ پیش ماست» در ایران هم اگر در ساخت یک فیلم هدف را جهانی شدن اثر بگذاریم، طبیعتاً پول هم دنبال آن می‌آید.

اطمینان به خاطر قانون کپی‌رایت

در فرانسه دیدم سه تا مینی سینه موبیل کنار خیابان فقط برای گرفتن عکس تبلیغاتی یک نوشابه ایستاده. نمی‌دانید چه امکاناتی برای گرفتن این عکس وجود داشت. در یک محیط یک متر در یک متر باران می‌آمد و صاعقه می‌زد. البته آنجا چون قانون کپی‌رایت وجود دارد همه مطمئن هستند که زحمتشان به ثمر می‌نشیند، برای همین کارشان را به کاملترین شکل ممکن انجام می‌دهند و چیزی می‌سازند که تاریخ مصرف نداشته باشد. مثل تام و جری که نسل اندر نسل همه دوستش دارند.

اصول مستندسازی پشت‌صحنه

مستندساز پشت‌صحنه نباید فقط هرازگاهی سر فیلمبرداری بیاید و منتظر باشد کسی حرف خنده‌داری بزند تا دکمه آن گوشی‌اش را فشار دهد. در حالی که فیلمساز پشت‌صحنه باید هر روز که سر کار می‌آید قبل از هر چیز فضای صحنه را بو بکشد و بفهمد که امروز فضا چطور است. فیلم پشت‌صحنه باید ترکیب فضای سبک و سنگین روزهای مختلف کار باشد. فضاهای سخت و آسان؛ شاد و غمگین.

اثر هنری در قالب مستند، روایت فقط مختص سینمای داستانی نیست. فیلم‌های مستند هم یک خط روایی دارند و باید این مساله در فیلم لحاظ شود.

کمتر فیلم سفارشی بوده که خوب ساخته شده بنابراین هم در سینمای داستانی و هم در مستند وقتی می‌خواهند اثر اثر نقد کنند می‌گویند مثل فیلم‌های سفارشی است و دلیل این مساله نگاه سهل‌انگارانه‌ای است که فیلمساز به اثر دارد.

البته در این فیلم سهل‌انگاری آنها کاری کرده بود که انگار کارگردان می‌خواست با فیلمش علنا بگوید ساخت این فیلم برایم کم‌اهمیت بوده. یعنی انگار فقط دوربین را کاشته بود و یک‌سری تصاویر گرفته بود. لزومی برای ساخته شدن فیلم وجود نداشت، چون طوری ساخته شده بود که اگر من بیننده در همان مکان می‌ایستادم همان‌ها را می‌دیدم.

منظور تان این است که ایده کارگردان به عنوان یک مستندساز پشت‌کار نبوده؟
بله. هیچ روایتی در این مستند وجود نداشت. مستند هم باید خطی روایی داشته باشد، باید حرفی بزند تا جذاب شود.

این مساله در مستندهایی که از پشت‌صحنه فیلم‌های سینمایی گرفته شده هم وجود دارد.

همین‌طور است. مثال بارز این شیوه فیلمسازی همان پشت‌صحنه فیلم‌های سینمایی است. معمولا از پشت‌صحنه فیلم‌های سینمایی فقط یک‌سری تصاویر محدود گرفته می‌شود. همین! در حالی که اگر یک ذهن خلاق و داستان‌پرداز در حوزه پشت‌صحنه فعال شود اتفاقاً یکی از پرمفهوم‌ترین و دراماتیک‌ترین فیلم‌هایی شکل می‌گیرد که تا به حال ساخته شده. در پشت‌صحنه فیلم‌ها لحظات عجیبی وجود دارد و آدم‌ها کارهایی می‌کنند که قابل پیش‌بینی نیست. ری‌اکشن‌های عجیبی می‌شود در پشت‌صحنه‌ها دید. ری‌اکشن عوامل پشت‌صحنه فیلم‌های سینمایی شباهت زیادی به ری‌اکشن بازیکنان و کسانی که کنار زمین فوتبال هستند دارد. من همیشه فوتبال را فارغ از نتیجه‌اش نگاه می‌کنم. ری‌اکشن داور، سرمربی و همه افراد حاضر در فوتبال هر لحظه تغییر می‌کند، این عکس‌العمل‌ها بدون فکر و در لحظه اتفاق می‌افتد، در پشت‌صحنه سینما هم همین اتفاق می‌افتد. به نظر من اگر این مستند پرداخت خوبی داشته باشد با توجه به آنچه که از پشت‌صحنه فیلم به یاد دارم، حتی می‌تواند به مراتب از خود فیلم جذابتر شود.

اما متأسفانه فیلمسازان ایرانی توجه خاصی به آن ندارند.
پشت‌صحنه‌ها را معمولا مثل یک بخش فان، در انتهای فیلم‌های شبکه خانگی می‌بینیم!

موضوع این است که اغلب ما متأسفانه قدر موقعیت‌ها و بسترهایی که برایمان





The Secretary Talks about the Festival

Mehdi Tabatabaei Nejad, is the secretary of this year's festival. He has been recently appointed as the CEO of Documentary and Experimental Film Center. So he hadn't got that much time to develop his own plans and programs for the festival. Anyhow, as he himself admits, it's been tried to focus on the panel interview and workshops carefully. He also added that there is no praise section for the individuals this year, but about 20 documentary filmmakers of the south region of our country are going to be praised.

آینده جشنواره و سینمای مستند

مدیر عامل مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی و دبیر جشنواره هفتم، از برنامه‌های آینده مرکز گسترش و وضعیت سینمای مستند می‌گوید

رضا مقدّم

r.moghadam@alumni.ut.ac.ir

هفتمین جشنواره سینما حقیقت در حالی برگزار می‌شود که محمد مهدی طباطبایی نژاد از نیمه راه سکان دبیری آن را در دست گرفت. او به تازگی و با تغییر دولت به عنوان مدیر عامل مرکز گسترش و سینمای مستند و تجربی و دبیر جشنواره انتخاب شده و فرصت زیادی برای اعمال همه برنامه‌های مورد نظرش در جشنواره را نداشته. با او به گفتگو نشستیم تا از کم و کیف جشنواره امسال و آینده مرکز گسترش بیشتر اطلاع یابیم.

زمان زیادی از حضور شما در مرکز نمی‌گذرد، چقدر در برگزاری جشنواره سهیم بوده‌اید؟

مدتی قبل از اینکه من مدیر عامل مرکز شوم، فراخوان داده شده و فیلم‌ها به دبیرخانه جشنواره تحویل داده شده بود. هیئت انتخاب هم البته تعیین شده بود و من یکی از اعضای هیئت انتخاب بودم. مدت یک ماه هم مشغول بازبینی آثار بودم که پس از آن به دعوت آقای ایوبی، به عنوان مدیر عامل مرکز مشغول به کار شدم. بنابراین ما از مرحله پس از دریافت آثار مشغول به کار شدیم.

درباره اعضای هیئت داوران چطور؟

اعضای هیئت داوران را بنده انتخاب کردم، البته با مشارکت شورای سیاستگذاری جشنواره و دوستانی که به عنوان مشاور و همکار در کنار ما حضور دارند و در تعامل با جشنواره سینما حقیقت هستند.

ملاکاتن برای تعیین اعضای هیئت داوران چه بود؟

جایگاه و صلاحیتی که اعضای مختلف هیئت داوران در سینمای مستند دارند. داورانی که انتخاب شده‌اند از خوشنام‌ترین‌ها و حرفه‌ای‌ترین‌ها در حوزه خودشان هستند که بعضی‌هایشان در دوره‌های قبل حضور داشته‌اند و برخی نه. اعضای که انتخاب شده‌اند جمع هفت نفره‌ای هستند که حضور هر کدامشان به تنهایی مایه افتخار و اعتبار جشنواره و شخص بنده است. سعی کردیم اعضا را طوری انتخاب کنیم که هر یک به نوعی در حوزه‌های مختلف مرتبط با سینمای مستند فعال باشند.

با این حال تفاوت چشمگیری در برگزاری این دوره از جشنواره در مقایسه با سال‌های گذشته وجود دارد؟

چون فراخوان از قبل آماده شده بود و یک رویه ثابتی در طی چهار سال گذشته برگزاری جشنواره طی شده

گسترش سینمای مستند و تجربی، برنامه‌های شما برای حمایت از مستندسازان داخلی چیست؟

راجع به اکران فیلم‌های مستند باید بگویم، که اکران این دست فیلم‌ها یک اکران «اقتضایی» است. یک فیلم ممکن است صرفاً برای پخش از تلویزیون تولید شده باشد، فیلمی دیگر برای مخاطب خاص سینمای مستند، فیلمی ممکن است صرفاً برای یک حرفه خاص تولید شده باشد؛ مثلاً فیلم تخصصی صنعتی که تنها مخاطبانش اعضای همان حرفه‌اند و فیلمی دیگر ممکن است مستند داستانی باشد. خب این گروه آخر، اقتضای اکران بهتری دارند. اگر منظور تان از سینمایی خاص، سینمای سپیده است باید بگویم از نظر من اکران این فیلم‌ها غلط است. اکران فیلم مستند یک بحث تخصصی است. اما ما برنامه‌های دیگری هم در زمینه اکران فیلم مستند داریم از جمله نمایش مستند در خانه هنرمندان.

آیا به شبکه‌های نمایش خانگی هم فکر می‌کنید؟

در این سال‌ها بخشی از آثار برای نمایش خانگی آماده شده‌اند، ولی واقعاً حضور ما در حوزه نمایش خانگی و عرضه محصولات مستند خیلی مورد توجه نبوده است. دوستانی در این حوزه کار کرده‌اند و ما هم سعی کرده‌ایم از آنها حمایت کنیم. یکی از عرصه‌های مهم و اساسی برای عمومی کردن سینمای مستند همین شبکه‌های نمایش خانگی است که متأسفانه در این بخش غفلت کرده‌ایم.

و به عنوان سؤال آخر، آیا بودجه خاصی برای حمایت از مستندسازان در نظر گرفته‌اید؟

اگر تمرکز مرکز بیشتر در زمینه تولید آثار مستند باشد، از پشتوانه لازم برای حمایت از مستندسازان برخوردار خواهد بود. در این باره، طرحی تهیه کرده‌ایم و به مدیریت مرکز سینمایی ارائه کرده‌ایم که در راستای «چابک‌سازی» تولیدات، اصلاً مرکزی با عنوان «مرکز سینمای مستند ایران» افتتاح شود و هدف آن صرفاً تهیه و تولید آثار سینمای مستند باشد. در این صورت، مدیریت بخش «داستانی» می‌تواند به عهده انجمن سینمای جوان باشد و بخش «انیمیشن» به مرکز مستقل و مجزایی به عنوان مرکز ملی انیمیشن واگذار شود.

بود، ما مجبور بودیم تا حدود زیادی این رویه را حفظ کنیم. اما می‌توانم بگویم که امسال روی پتل‌های گفتگو و کارگاه‌های آموزشی خیلی متمرکز شده‌ایم. برای کارگاه‌های آموزشی مان ثبت‌نام کرده‌ایم و برای هنرجویانی که در این کارگاه‌ها - با حضور کارشناسان داخلی و خارجی - شرکت می‌کنند، گواهی صادر خواهیم کرد. در بخش تقدیرها، امسال بخش تقدیر فردی نداریم، بلکه از مستندسازانی که در یک حوزه جغرافیایی فعال بوده‌اند، تقدیر می‌کنیم. در این جشنواره از ۲۰ مستندساز جنوبی تقدیر می‌شود و نیز نکوداشت دو فیلمساز جنوب - ناصر تقوایی و سیدحسین بنی‌هاشمی - برگزار خواهد شد. قصد داریم این روند را در سال‌های آینده نیز ادامه دهیم، مهمترین تفاوت‌های این جشنواره با دوره‌های قبل این است که جز در بخش‌های مستند داستانی و سیاسی، اقتصادی که از بخش‌های جنبی جشنواره هستند، دآوری واحدی برای همه بخش‌های جشنواره خواهیم داشت.

برای اینکه مردم از برنامه‌های جشنواره اطلاع پیدا کنند، چه تبلیغاتی انجام شده است؟

از بنرهای اتوبانی استفاده کرده‌ایم. در مترو چه از طریق نصب پوستر و چه پخش تیزر، مردم را از برنامه‌های جشنواره مطلع کرده‌ایم. با نشریه‌ها و مطبوعات و سایت‌ها همکاری کرده‌ایم. یک تیزر ۲۵ ثانیه‌ای هم تهیه کرده‌ایم که به زودی در اختیار تلویزیون‌های شهری قرار خواهد گرفت. روابط عمومی جشنواره هم درباره معرفی و تبلیغ آثار در یافتی، فعالیت کرده است و به طور کلی سعی کرده‌ایم از انواع امکانات محیطی و تلویزیونی جهت اطلاع‌رسانی به مردم استفاده کنیم.

از جشنواره که بگذریم، به عنوان مدیر مرکز

روزهای با تقویم آقای اسکویی

فیلمشناسی

مهرداد اسکویی

متولد ۱۳۴۸.....
تحصیلات.....کارگردانی سینما
آغاز فعالیت هنری ۱۸..... سالگی

فیلم های مستند

خانه مادری ام مرداب ۱۳۷۸.....
به من نگاه کن! ۱۳۷۹.....
نواز شگر تور ۱۳۷۹.....
رو به جایی دور..... ۱۳۸۱
پیوه مرد ۱۳۸۱.....
آسیاب های بادی ۱۳۸۳.....
از پس برقع ۱۳۸۳.....
دماغ به سبک ایرانی..... ۱۳۸۴
مریم جزیره هنگام ۱۳۸۴.....
پشت پال پروانه ها ۱۳۸۵.....
دانش آموز اسماعیل ۱۳۸۵.....
روزهای بی تقویم ۱۳۸۹.....
آخرین روزهای زمستان ۱۳۹۰..



افتخارات

خانه مادری ام مرداب

بهترین فیلم جشنواره لایت زیگ/۲۰۰۰
بهترین فیلم مستند جشنواره Ziff/۲۰۰۴
بهترین فیلم از نظر هیئت داوران جشنواره
Maremme doc/۲۰۰۰ و ...

روزهای بی تقویم

بهترین فیلم جشنواره Hot Docs/۲۰۰۸
بهترین فیلم از نظر هیئت داوران جشنواره
Med Film/۲۰۰۸

از پس برقع

جایزه بزرگ ازدهای طلایی جشنواره
کراکو/۲۰۰۵
جایزه ویژه هیئت داوران جشنواره
MEDIA WAVE/۲۰۰۶

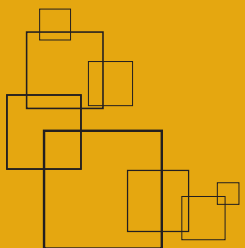
آخرین روزهای زمستان

بهترین فیلم جشنواره آمستردام/۲۰۱۱
بهترین فیلم جشنواره ژنو/۲۰۱۲
بهترین فیلم جشنواره Escales/۲۰۱۲



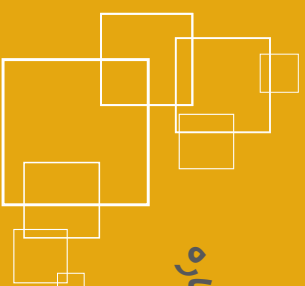
زاویه دید

مهرداد اسکویی در ۴۴ سالگی و با ساخت ۱۳ فیلم از وزنه های سینمای مستند ایران است و با حس ویژه اش در یافتن سوژه های بکر و جذاب، جایگاه خود را در میان بزرگان سینمای مستند ایران تثبیت کرده است. ویژگی مستندهای او ارتباط گرفتن با اقشار مختلف تماشاگران است. در واقع مستندهای او تنها برای دوستداران حرفه ای این نوع سینما جذاب نیستند و قشرهای مختلف با آنها ارتباط برقرار می کنند. مثل مستند «دماغ به سبک ایرانی» که با نگاهی شوخ طبعانه دغدغه دماغ را در میان چهره های سرشناس و همین طور دانش آموزان یک دبیرستان دخترانه پی می گیرد و یا «روزهای بی تقویم» که با لحنی تلخ و گزنده کودکان و نوجوانان کانون های اصلاح و تربیت را سوژه خود می سازد. مهرداد اسکویی به جز فیلمسازی تجربه های متنوعی مثل بازیگری تئاتر، فعالیت های پژوهشی و برپایی کلاس ها و کارگاه های آموزشی را در کارنامه خود دارد. او همین طور یک عکاس صاحب سبک و حرفه ای است که پرتره های بسیار مشهوری از احمد شاملو و محمدرضا شفیعی کدکنی را در کارنامه خود دارد و عکس هایش از طبیعت ایران زینت بخش کتاب های «ایران، سرزمین مهر» و «هفت اقلیم ایران» نیز شده است و نمایشگاه های انفرادی و گروهی فراوانی را در ایران و خارج از کشور برگزار کرده است.



امسال برای سینمای مستند، سال گذار است

گفت‌وگویی آنتونیو شرکا، منتقد و مدرس سینما با
مهر دلا اسکویی، استاد برجسته سینمای مستند، درباره
فیلم‌های راه یافته به جشنواره امسال و به طور کلی
وضعیت مستندسازی در ایران



مه‌ماگتی و تلفظ: مرده، امیرزور
antonioperson@gmail.com

مهر داد اسکویی، چه‌ره مطرح سینمای مستند، عکاسی و پژوهشی، امسال به عنوان داور در هفتمین دوره جشنواره سینما حقیقت حضور دارد. این مستندساز بعد از تماشای نمایش مسابقه جشنواره، به نقاط مغزی و مثبت مختلفی در این زمینه رسیده است، او امیدوار است که با روی کار آمدن مدیریت سینمایی جدید، از سال آینده شاهد اتفاقات جدیدی در زمینه ساخت فیلم مستند در کشور باشیم. آنتونیو شرکا، منتقد، مترجم و مدرس سینما برای بولتن هفتمین جشنواره سینما حقیقت، مصاحبی با مهر داد اسکویی انجام داده که در زیر می‌خوانید.

آینده و با مدیریت جدید، تا حد بالایی
مرتفع می‌شود؟

به نظر من امسال سال گذار است. جوان‌های ما ایده‌پردازهای خوبی هستند و مطمئنم که در چهار سال آینده شاهد اتفاقات خوبی در این زمینه خواهیم بود. طی سال‌های گذشته بودجه‌هایی برای بعضی فیلم‌ها در نظر گرفته می‌شد که وقتی محصول نهایی به دست می‌آمد، به نظر می‌رسید فقط یک دهم آن بودجه را هزینه کرده است. چون استانداردها و پرستی برای برآورد آن‌ها وجود نداشت، از طرف دیگر فضا در درون مرکز بسته‌تر بود و فقط با یک سری فیلمسازهای داخل مرکز همکاری صورت می‌گرفت، اما در سال‌های آتی مطمئنم مالی درست‌تر صورت خواهد بود و پشتیبانی مالی درست‌تر خواهد گرفت.

در این دوره، هر ۷ عضو هیئت داوران نسبت به انتخاب فیلم‌ها اتفاق نظر داشتند؟
مثلاً اگر فیلمی شایستگی عنوان بهترین را نداشت ممکن بود صرفاً به دلیل کمبود فیلم خوب، جایزهای نصیبش شود؟

به هیچ فیلمی، بدون داشتن شایستگی لازم جایزه نمی‌دهیم، قرار ما این بود که اگر فیلم‌ها



آقای اسکویی دومین سالی است که شما
در جشنواره سینما حقیقت، به عنوان داور
حضور دارید. وضعیت فیلم‌های مستند در
جشنواره امسال را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

سال گذشته داور بخش مستند اجتماعی بودم، از چهار سال پیش، مدیریت قلبی مرکز گسترش و سینمای تجربی، برنامه‌ریزی کرده بود که آثار در بخش‌های مختلف دآوری شوند. هر بخش، ۵ داور داشت که فیلم‌ها را بررسی می‌کردند و سپس گروه دآوری دیگری، از میان این فیلم‌ها بهترین فیلم کوتاه، نیمه بلند و بلند را انتخاب می‌کردند. در ۱۱۸ فیلم به جشنواره امسال راه پیدا کردانند و یک گروه ۷ نفری از داوران، آنها را دآوری می‌کند. چون در آیین‌نامه آمده است که بخش‌های مختلف باید به صورت جداگانه جایزه بگیرند برای هر ۷ بخش، یک جایزه اختصاصی داده شده است که به بهترین کارگردان مستندساز داده می‌شود. اتفاق خوبی که امسال افتاد این بود که در بخش دستاوردهای فنی سه جایزه به بهترین تدوین، بهترین صدابرداری و بهترین فیلمبرداری اختصاص یافته است.

شما با توجه به این که سال گذشته

هم در این جشنواره حضور داشتند فکر می‌کنند وضعیت فیلم‌های این دوره نسبت به دوره پیش چگونه است؟

به نظر من در این سال‌ها به یک سری از فیلم‌ها توجه‌های زیادی داده شده و توقع ما از بعضی فیلم‌ها یا توجه به بودجه‌هایی که به آن‌ها داده شده خیلی بالاتر بود. با این حال در بعضی بخش‌ها فیلم‌هایی دیدم که از سطح انتظار بالاتر بود. در جشنواره‌های جهانی، فیلم‌ها به سه دسته متوسط، خوب و خیلی خوب دسته بندی می‌شوند و متاسفانه باید بگویم در جشنواره امسال، بعضی از فیلم‌ها در دسته ضعیف قرار می‌گرفتند. انتظار ما این بود که یک هیئت انتخاب حرفه‌ای، فیلم‌ها را در سه جایگاه بهترین فیلم کوتاه، نیمه بلند و بلند دسته‌بندی کند و به فیلم‌های خوب بهای بیشتری دهد. در اینصورت امکان داشت خیلی از این فیلم‌ها اصلاً به جشنواره راه پیدا نکنند اما چون اعضای هیئت داوران با هیئت انتخاب، متفاوت است، چنین مشکلاتی، به وجود آمد. در جشنواره امسال، هشت بخش داریم که برای هر کدام از آنها باید حدود ۱۰ تا ۱۵ فیلم وجود داشته باشد تا بتوانند با یکدیگر رقابت کنند. ممکن است در بخش دینی - آیینی، مردم‌شناسی، قوم‌شناسی یا مستند پرتره، به این تعداد فیلم نداشته باشیم اینجا است که هیئت انتخاب مجبور می‌شوند فیلم‌ها را به تعداد مشخص ۱۵ یا ۲۰ عدد برسانند و به همین دلیل به بعضی فیلم‌ها برای حضور در جشنواره کمک شده است ولی من مطمئن هستم که رقابت در سال‌های بعدی، با توجه به سیاست‌گذاری‌هایی که شورای سیاست‌گذاری جشنواره و دبیر محترم جشنواره آقای طباطبایی، تباد که مرتب در حال رصد و مشاوره است و فیلم مستند را می‌شناسند و پیشتر قهقر شود و سطح کیفی آثار بالاتر رود.

یعنی معتقدید این مشکلات در سال



به نظر من در این سال‌ها به یک سری از فیلم‌ها بودجه‌های زیادی داده شده و توقع ما از بعضی فیلم‌ها یا توجه به بودجه‌هایی که به آن‌ها داده شده و توقع فیلم‌ها بالاتر بود. در جشنواره‌های جهانی، فیلم‌ها به سه دسته متوسط، خوب و خیلی خوب دسته بندی می‌شوند و متاسفانه باید بگویم در جشنواره امسال، بعضی از فیلم‌ها در دسته ضعیف قرار می‌گرفتند. انتظار ما این بود که یک هیئت انتخاب حرفه‌ای، فیلم‌ها را در سه جایگاه بهترین فیلم کوتاه، نیمه بلند و بلند دسته‌بندی کند و به فیلم‌های خوب بهای بیشتری دهد.

واحد امتیازات و شایستگی لازم برای دریافت جایزه نباشند، جایزه‌ای به آنها تعلق نگیرد. عکس این مسئله هم صادق بود. مثلاً اگر در بخشی قرار بود سه فیلم برگزیده انتخاب کنیم و تعداد فیلم‌های خوب بیشتر از این تعداد بود، تعداد جوایز آن بخش را افزایش می‌دادیم. این‌ها به این دلیل اتفاق افتاد که ما هفت نفر، هفت دیدگاه مختلف داشتیم، سر این دیدگاه‌ها بحث می‌کردیم و خیلی وقت‌ها همدیگر را قانع می‌کردیم.

پس اینطور نبود که کدام از شما به صورت مجزا از هم فیلم ببینید و نظراتان را مستقل از هم اعمال کنید؟

۱۰ روز از ۹ صبح تا ۱۲ شب تمام داوران در جلسه حاضر می‌شدند. اصلاً به این شکل نبود که دی وی فیلم‌ها به ما داده شود و ما آن‌ها را در منزل ببینیم و نظراتمان را در جلسه بگویم. همگی، فیلم‌ها را همزمان می‌دیدیم. گاهی در زمان بخش فیلم، شگفت زده می‌شدیم و همان موقع بحث می‌کردیم. من انتخاب می‌کنم که در مملکتی زندگی می‌کنم که فیلمسازان مستندی دارد که اقتدار با فیلم شان تأثیر می‌گذارند که گریهات می‌گیرد، بغض می‌کند، حتی همچنان زده می‌شوی و دست می‌زنی.

به طور متوسط چند درصد این فیلم چین و بژگی‌ای داشت؟

زیاد نبود ولی همان چند فیلم منتخب هم، به معنای واقعی کلمه خوب هستند. مثلاً مستندهای محیط زیستی داریم که فیلمساز برای آن وقت زیادی گذاشته یا مثلاً فیلم‌هایی که فیلمساز برای ساختن آنها با سختی‌های زیادی روبرو شده. در بسیاری از فیلم‌ها، صابرداری، طراحی و فیلم‌برداری خوبی داریم که همه این‌ها باعث می‌شوند آن فیلم به عنوان اثری درجه یک مطرح شود.

در خبرها خواندم که در جشنواره

Mehrdad Oskoui, the well-known figure of documentary film, photography and research, is present as a jury member in this year's festival. After watching and reviewing the selected works of the competition section, this documentary filmmaker expressed his view towards the weak and strong points he has observed. Allocating big budgets to unqualified films, lack of proper training in the field of documentary film-making, selecting the participant works based on inaccurate measures, choosing a large number of films for competition section, etc. are the minus points of this year's festival in his view. He is hopeful that the changes happened in the structure of cinematic association can result in new movements in the field of documentary film-making. He described this year's festival as a transitional stage and expressed his hope for the future. Oskoui admits that it took more than one day to judge each film and this sounded very strange to many people out there.

بالایی برای مستندسازی برگزار نمی‌شود تا هر فیلمساز بتواند اطلاعاتش را راجع به این مسئله کامل کند و ببیند جهان راجع به مستند چه می‌گوید. وک شاپ‌های بسیار مفیدی از سوی استانی، مثل آن کوالیم، کوه کوفسکی، بیکر، پانیکمن و... در سطح جهان برگزار می‌شود. در مستندسازی، آموزش عنصر مهمی است. فیلم مستند هم مثل فیلم‌های دیگر ساختار درام دارد یا اگر راجع به یک پرتره است طراحی دارد. ما دانسا در کارگاه‌ها راجع به روایت صحبت می‌کنیم و اینکه چطور قفسه را تعریف کنیم. فیلمسازهای مستند، قصه‌گوهایی هستند که با امور واقعی رو به رو شده‌اند. فیلم مستند روایتی است که جهان بزرگتری را در پس زمینه دارد.

ادامه در صفحه ۱۶

یک روز و نیم برای دوری، یک فیلم



به عنوان کسی که سال‌هاست فیلم مستند را پیگیری می‌کنم و به آن علاقه‌مندم صادقانه می‌گویم جشنواره سیما حقیقت برای من جای است که می‌توانم تولیدات یک یا دو سال کشورم را در آن ببینم. به دلیل اینکه آدم گرفتاری هستم و محام درگیر پروژه‌ها و تحقیقات هستم نمی‌توانم از آکران فیلم‌های نوسان بهره ببرم. به همین دلیل اینجا بهترین فرصت است. گاهی برای نظر دادن راجع به یک فیلم، یک روز و نیم وقت گذاشته‌ایم و دوستانی که بیرون بودند به ما می‌گفتند که ما تا به حال چنین دوری ندیده‌ایم.

بودجه فیلم و جیب کارگردان



در تمام دنیا کارگردان بالاداش اواد می‌شود و تهیه کننده شروع می‌کند برای آینده پول جمع می‌کند اما در اینجا قضیه برعکس است. پول کامل‌ادر اختیار کارگردان قرار دارد و او تصمیم می‌گیرد یک مقدار از بودجه را هزینه کند و بقیه را برای خودش کنار بگذارد. این مسئله بین فیلمسازها به وفور اتفاق می‌افتد به نظرم کارگردانی که فیلمش برایش مهم باشد به هیچ وجه از آن فیلم نمی‌زند. امیدوارم در دوره مدیریت جدید سیما، بسیاری از مشکلات موجود در سینمای مستند مرتفع شود و به جایی برسیم که تهیه کننده، پول کارگردان را بدهد.

سیاسی اقتصادی

■ جنایت مقدس
 ■ کارگردان: حمید کوهپیمایی
 ■ درباره فیلم: این فیلم مروری دارد بر دیدگاه‌های فکری فرقه وهابیت و جنایت‌های مختلفی که در قالب عملیات‌های انتحاری در کشورهای چون افغانستان و عراق رخ می‌دهد.



جنایت تلخ

حمید کوهپیمایی از تجربه ساخت مستند جنایت مقدس می‌گوید

وهابیت و عملیات‌های انتحاری محور اصلی مستند پنجاه دقیقه‌ای «جنایت مقدس» است. اگرچه ساختار اصلی فیلم کاملا مستند است اما در عین حال رگه‌های نازک و کم‌رنگی از داستان نیز در آن دیده می‌شود. در سال‌های گذشته سفرهای متعددی به عراق داشتم و در این سفرها از نزدیک با جنایت‌ها و عملیات‌های مختلف انتحاری آشنا شدم؛ عملیات‌هایی که هر روز و هر هفته درباره آن می‌شنویم و جان بسیاری از مردم بی‌گناه را می‌گیرد. اما این عملیات‌ها به پشتوانه فکری فرقه وهابیت انجام می‌شود و همین موضوع بهانه‌ای برای ساخت این مستند شد. پس از آن تصمیم به ساخت این فیلم گرفتم و تحقیقات مختلفی را در این باره انجام دادم. یک بخش از این تحقیقات شامل پژوهش‌های مکتوب بود که شامل تاریخچه وهابیت و پیدایش آن بوده که در فیلم خیلی گذرا به آن اشاره شده است. برای روشن‌تر شدن ابعاد این موضوع با تعدادی از وهابیون که هنگام انجام عملیات انتحاری دستگیر شده بودند و همچنین برخی از علمای این فرقه پیرامون اینکه چطور افرادشان را به لحاظ فکری آماده این کار می‌کنند، گفتگو کردیم. تصویربرداری این مستند شش ماه زمان برده و نیمی از آن در ایران و نیمی در افغانستان و بخش‌هایی هم در عراق انجام شده است.



گنج دزدی و خروج تاریخ

«سووز» نام قدیم شوش است، جایی که باستان‌شناسان زیادی در آن به کاوش‌های علمی و غیرعلمی! پرداخته‌اند. فرشاد اکتسابی در مستندش سراغ این باستان‌شناسان رفته است



mshayeste84@gmail.com

محمّد مّدق، شایسته

«در گذشته زمانی که باستان‌شناس‌ها نمی‌توانستند شیء سنگینی را با خود از کشور خارج کنند آن را می‌شکستند و از بین می‌بردند تا به دست نفرات بعدی نرسد.» این جمله آشنا و قابل تامل را فرشاد اکتسابی کارگردان مستند «سووز» می‌گوید. این فیلم روایتی مستند از فعالیت و حضور طولانی کاوشگران و باستان‌شناسان فرانسوی در خرابه‌های باستانی شوش (از زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار تا پیروزی انقلاب اسلامی) است. اکتسابی این مستند را به تهیه‌کنندگی عبدالحمید ارجمند ساخته، تهیه‌کننده‌ای که پژوهش این مستند را هم برعهده داشته است.

در خاطرات خود اعتراف می‌کند که چگونه عتیقه‌جات ایرانی را با خودشان از ایران خارج می‌کردند و مثلا به موزه «لوور» می‌بردند. بعد از سال‌ها این حالت گنج‌یابی کمتر شد و آدم‌های جدید دست به تحقیقات و کاوش‌های علمی زدند.

یعنی شما به نوعی در «سووز» سیر تکاملی حضور باستان‌شناسان از گنج دزدی به انجام تحقیقات علمی را نشان می‌دهید؟

دقیقا. شما تصور کنید در گذشته زمانی که باستان‌شناس‌ها که بیشتر باید به آن‌ها صفت گنج‌یاب یا معدن‌یاب را اطلاق کرد نمی‌توانستند شیء سنگینی را با خود از کشور خارج کنند آن را می‌شکستند و از بین می‌بردند تا به دست نفرات بعدی نرسد. این‌ها همه ثبت شده، مثلا یک زن و شوهر فرانسوی که به شوش آمده بودند در کتاب خاطرات خود نوشته‌اند که وقتی نتوانستند کله بسیار بزرگ را با خودشان به خارج از ایران ببرند با پتک آن را خورد کردند. خودشان می‌گویند از این که نتوانسته‌اند آن را با خودشان ببرند حرصان گرفته! و برای این که کس دیگری هم نتواند بهره‌ای از آن ببرد این بلا را سرش آورده‌اند. به دلیل اینکه شرایط حمل و نقل در بیش از ۱۰۰ سال پیش به‌گونه‌ای بود که بسیاری از این آثار بزرگ

سووز بررسی تاریخ باستان‌شناسی فرانسویان در منطقه شوش ایده بکر و جالبی است. این ایده از کجا آمد؟

در واقع ایده اولیه متعلق به آقای ارجمند بود. ویژگی آقای ارجمند انتخاب ایده‌هایی است که برای تبدیل شدن به مستند بسیار مناسب است. به هر حال ایده‌های جذاب و بکر اطراف ما فراوانند؛ اما همه این ایده‌ها قابلیت به تصویر کشیده شدن ندارند. مثلا خیلی ایده‌ها برای نوشتن یک مقاله یا برگزاری یک جلسه هم اندیشی مناسب است؛ اما به درد تبدیل شدن به فیلم نمی‌خورد. ایده «سووز» از آن دسته ایده‌هایی بود که به شدت قابلیت فیلم شدن داشت.

ویژگی اصلی «سووز» چه بود که شما مجاب شدید این سووز قابلیت تصویری شدن دارد؟

این فیلم روایت‌گونه است، یعنی ما در فیلم خاطرات باستان‌شناسان فرانسوی را که از زمان ناصرالدین شاه تا اواخر سلطنت پهلوی دوم در منطقه شوش حضور داشتند را روایت می‌کنیم. حدود صد سال خاطره این آدم‌ها در فیلم روایت می‌شود. خاطراتی که نشان می‌دهد آن‌ها در این منطقه چه می‌کردند و روش کند و کاو آن‌ها چگونه بوده، حتی آن‌ها

دینی و آیینی

■ مسافر طوفان
■ کارگردان: علی عبدی پور
■ درباره فیلم: این مستند نگاه ویژه‌ای به واقعه طوفان نوح (ع) داشته و این مسئله را از منظر دینی و با رویکردی عرفانی به تصویر می‌کشد. نگاهی علمی و باستان‌شناسانه هم به این واقعه بزرگ دارد.



پیامبر صلح در مسیر طوفان

مستند ۵۰ دقیقه‌ای «مسافر طوفان» با محوریت واقعه طوفان و کشتی حضرت نوح (ع) ساخته شده. این فیلم از پروژه‌های سنگینی است که بیش از ۸ ماه صرف تحقیقات آن شده و فیلمبرداری‌اش حدود ۷ ماه طول کشیده است. عوامل «مسافر طوفان» ضمن تحقیقات جامع از آیات قرآن کتاب مقدس و مقالات محققان به مناطقی در کشور ترکیه از جمله «روستای محشر»، «تخت قهرمانان» و «کازان» که به نوعی با موضوع کشتی و واقعه طوفان در ارتباط بوده رفته و از این مناطق فیلمبرداری کرده‌اند. این گروه همچنین سفری به دانمارک داشته‌اند و با هنری نیسن نویسنده کتاب کشتی نوح (ع) درباره باستان‌شناسی سنگواره کشتی نوح (ع) گفتگو کرده‌اند.

از نگاه کارگردان

سوالاتی درباره حضرت نوح

همیشه سؤال‌ها و ابهامات زیادی درباره حضرت نوح (ع)، واقعه طوفان و کشتی پیامبری که تمام ادیان از او به عنوان پیامبر صلح یاد می‌کنند، در ذهنم وجود داشت و با این فیلم سعی کردم به این سؤال‌ها پاسخ دهم. این برای نخستین بار در کشورمان است که به این موضوع مهم که آثارش در تاریخ و تمدن ایران باستان و ادیان مختلف کاملاً مشهود است، پرداخته می‌شود. در این فیلم سعی کرده‌ام از سه وجه جنبه عرفانی، علمی و اسطوره‌شناسی به این موضوع اشاره کنم.

From Stealing Treasure to Scientific Explorations



Farshad Ektesabi, director of "Susa", has depicted the long-term activities and presence of the French explorers and archeologists in the ruined city, Susa. He says, "In the past, when archeologists couldn't take a heavy object out of the country, they would break and destroy it, so that no one else could have it anymore." Ektesabi told that the basic idea was firstly given by Abdolhamid Arjmand, producer of this documentary. Arjmand has also conducted major research about the subject of this film. "Susa" is the archaic name of Susa, in where many archeologists have carried out scientific and non-scientific exploration so far. Ektesabi admits it's been about eight years since Mr. Arjmand and he started their cooperation. He believes that the effort to specialize their tasks can be considered as a key to their successful cooperation. He also added 'honesty' as a significant factor for mutual works. As he said, the film has two parts; the first one is more based on memories, so the adventurous aspect of the work is more outstanding. In the second part, the audience is more faced with a scientific narration by the 20th century explorers. He indicated that there were very interesting and various challenges while the archeologists were talking about their memories, so one can say the first part is very close to a kind of fiction.

که فیلمش را کامل تر و البته پرخرج تر می‌کند خط بکشد.

دقیقا حرف شما درست است. معتقدم همیشه تمایل برای ساخت یک اثر کامل و بی‌عیب و نقص در مستندسازان ما وجود دارد فقط زمانی که پای بودجه و مسائل مالی به میان می‌آید واقعا شرایط کمی سخت و پیچیده می‌شود. البته شانس من داشتن تهیه کننده بسیار خوبی بود که خوب تلویزیون به او اعتماد کامل دارد و می‌داند بودجه‌ای که در اختیار او می‌گذارد نهایتا هدر نمی‌رود.

این دقیقا نکته‌ای است که باعث تفاوت‌ها عمیق بین فیلمسازان مستند شده. تفاوتی که حتی در یک جاهایی تاثیر مستقیم روی کیفیت آثار ساخته شده هم داشته. بحث مستندسازی که به هر طریقی وابسته به تلویزیون هستند و می‌توانند از بودجه‌های زیاد این سازمان برای ساخت آثارشان استفاده کنند و فیلمسازانی که کاملا مستقل هستند و گاهی برای ساخت یک اثر حتی توان تامین یک دهم از آن بودجه را هم ندارند. شما چقدر وابسته به بودجه‌های تلویزیون هستید؟ و اصلا این وابستگی ایراد محسوب می‌شود؟ حقیقت این است که تلویزیون یک سازمان دولتی است پس مطمئنا در این سیستم بسیاری از سوژه‌های بکری که در ذهن شما وجود دارد ولی با سیاست‌های کلی سازمان منطبق نیست امکان ساخته شدن پیدا نمی‌کند. چون به هر حال تلویزیون خط قرمزهای خاص خودش را دارد و این خط قرمزها نسبت به برخی سوژه‌ها حساسیت دارند و تمایلی برای پخش آن‌ها از آنتن تلویزیون ندارد و معتقد است بعضی سوژه‌ها فقط باید در جاهای محدود و برای آدم‌ها خاص پخش شود نه برای عامه مردم. در نتیجه آدم‌هایی که تمایل دارند به سمت ساخت این سوژه‌ها بروند عملا نمی‌توانند با تلویزیون همکاری کنند و این خیلی طبیعی است. از این طرف سوژه‌هایی هم وجود دارد که بیشتر مخاطب عام را همراه خودش می‌کند و محتوا و چارچوب حساسیت برانگیزی ندارد که تلویزیون هم از آن مستندها استقبال می‌کند. مثل مستندهای تاریخی. به نظرم این یک ایراد نیست، بیشتر یک نوع روش و شاید ترجیح کاری است.

تاریخی قابلیت حمل شدن نداشتند شما می‌بیند که بسیاری از افراد همین روش را به کار گرفته و تعداد زیادی از آثار تاریخی ما را نابود کردند.

با استفاده از چه شیوه‌ای وجوه داستانی و مستند را تلفیق کردید که تعادل کاملا حفظ شود؟

ما در فیلم دو بخش داریم. در قسمت ابتدایی وقتی فیلم آغاز می‌شود بیشتر براساس خاطرات است پس وجه ماجراجویانه کار بیشتر است و ما هم از لحاظ بصری به بازسازی خاطرات و روایت‌های مختلف این باستان‌شناسان پرداختیم. هر چه جلوتر رفته متوجه شدیم داریم به جاهایی می‌رسیم که دیگر نیازی به بازسازی نیست و فضا از حالت ماجراجویانه و روایت خاطرات به کاوش‌ها و مستندات علمی می‌رسیم. این شد که هر چه از سمت قرن نوزدهم به سمت آخرین حضورهای باستان‌شناسان در قرن بیستم آمدیم مبنای خود را بر روایت علمی کارها گذاشتیم.

به این ترتیب نیمه اول شما بیشتر فضای داستانی را پررنگ کردید و نیمه دوم فضای مستند را؟

دقیقا. استفاده از این شیوه هم مستقیما به جنس سوژه و مترتالی که ما در اختیار داشتیم برمی‌گردد. در بخش اول که روایت خاطرات بود آدم‌ها چالش‌های بسیار متفاوت و در عین حال جالبی داشتند. اینکه چگونه و با چه روش‌هایی این آثار باستانی را از کشور خارج کنند. مشکلاتی که بر سر حمل و نقل دریایی این آثار وجود داشت و دهه‌ها موضوع دیگری که در خاطرات این باستان‌شناس‌ها دیده می‌شد چاره‌ای برای ما نگذاشت جز اینکه دست به بازسازی فضا بزیم تا بتوانیم حق مطلب را ادا کنیم. بعد که جلوتر می‌آیم دیگر آدم‌ها در خصوص کاوش‌ها و پژوهش‌هایی که انجام داده‌اند دست به خاطره‌نویسی روزانه نزده‌اند و بیشتر نتیجه پژوهش‌هایی که کرده‌اند در آثار نوشتاری آن‌ها وجود دارد تا اتفاقات روزمره‌ای که در شوش برایشان رخ می‌داد.

وجود لوکیشن خارج از کشور در کار شما نشان دهنده توجه زیاد به وجوه مختلف مستندی است که ساخته‌اید. البته بخشی از این مسئله مستقیما به مسائل و مشکلات مالی برمی‌گردد که فیلمساز را مجبور می‌کند برای اتمام کارش روی بعضی از چیزها

Hardship for women

The "Maryam Story" is an episode of a 15-part series directed by Zahra Moshtagh. It was shown on TV Channel 1 this year before the month of Muharram. Each part is about a woman's story. The stories are seemingly unrelated to each other, but in fact all of them are focused on the lives of the veterans who risked their life at war and the hardship for their wives.



کاش مشکلات را ببینیم؛ کاش!

زهره مشتاق کارگردان «روایت مریم» از ساخت این مستند و برخورد سفارش دهندگان پس از روبه‌رو شدن با واقعیت‌های درون آن می‌گوید

mshayeste84@gmail.com

محمد صادق شایسته

«روایت مریم» یک قسمت از مجموعه‌ای ۱۵ قسمتی به کارگردانی زهره مشتاق است که به سفارش مرکز امور زنان ریاست جمهوری ساخته شده و قبل از محرم امسال از شبکه یک روی آنتن رفت. این ۱۵ قسمت هر کدام داستان یک زن که همسر یک جانباز اعصاب و روان است را روایت می‌کند. هر کدام از قسمت‌ها در ظاهر مستقل هستند، ولی کارگردان در کل یک رابطه معنوی مشترکی بین آن‌ها قرار داده. با مشتاق پیرامون مشکلات و سختی‌های ساخت این مستند و وضعیت امروز مستندهای مربوط به جنگ گفتگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

ایدئولوژی و دین و مذهب گرایش‌های رایج‌های بخش مهمی از تاریخ ماست و عموم مردم مستقیم و غیرمستقیم درگیر جنگ و تبعات پس از جنگ بوده‌اند.

مستندها منطقی‌تر و واقع‌گرایانه‌تر شده‌اند
به گفته او خیلی سخت است که مستندساز در چنین شرایطی درگیر احساسات نشود و بتواند حقیقت را کامل نشان دهد. از نظر او ساخت این مستندها به شکل دقیق مصداق واقعی حرکت کردن روی لبه شمشیر است. اما به اعتقاد مشتاق شرایط ساخت این مستندها در مقایسه با گذشته بسیار متفاوت‌تر شده: «زمانی که شما به آثار هنری سینمایی، مستند و حتی تئاترهای صحنه‌ای و رادیویی در سال‌هایی که جنگ در جریان بود و یا سال‌های ابتدایی پس از جنگ رجوع می‌کنید متوجه می‌شوید وجه تبلیغاتی اثر ساخته شده بسیار بالاست، وجوه ایدئولوژیک و آسیب خوردن

آدم‌هایی که فراموش شده‌اند
مهمترین کاری که در مشتاق در روایت ناگفته‌های جنگ کرده ورود به حیطه آسیب‌شناسی و نقد وضعیت آدم‌های پس از جنگ است، او با پرسش‌های زیادی سراغ ساخت مستند می‌رود. پرسش‌هایی از قبیل اینکه چرا کسانی که برای دفاع از این کشور جنگیده‌اند فراموش شده‌اند؟ یا چرا بسیاری از کسانی که روزگاری آن‌ها را بزرگترین قهرمانان این کشور تلقی می‌کردیم الان شرایط زندگی خوب و نرمالی ندارند؟ او معتقد است در این سال‌ها به بازمانده‌های جنگ خیلی بی‌توجه بوده‌ایم: «برای بسیاری از این عزیزان بهترین کلمه‌ای که می‌توان به کار برد لغت‌هایی مثل بازمانده و فراموش شده است. هر چند مقوله جنگ اتفاق بسیار بدی است و پرداختن به آن به معنی نکوداشت آن نیست ولی در این هشت سال آن قدر اتفاقات عجیب و غریب افتاده که باید آن‌ها بیان شود، اینها خارج از هر گونه

از استفاده مکرر از کلیشه‌های رایج پررنگ‌تر است. مثلاً شما در بین آثار سال‌های ۶۴ یا ۶۶ یا حتی ۶۸ نمی‌توانید اثری پیدا کنید که نگاهی نقادانه به جنگ و یا تبعات جنگ داشته باشد. یا اصلاً چنین آثاری ساخته نشده و یا اگر هم شده به دلیل شرایط خاص آن دوران اجازه نمایش پیدا نکرده. اما هر چه شما از جنگ فاصله می‌گیرید آثار کمی صریح‌تر به جنگ و تبعات آن می‌پردازد.»

وقتی سفارش‌دهنده تویخ می‌کند!

از نگاه مشتاق دیده شدن واقعیت‌های آدم‌ها پس از جنگ برای عموم مردم بسیار لازم است: «الان با افتخار از این جانبازان یاد می‌شود اما در کنارش واقعیت‌ها هم دیده می‌شود. مثلاً اینکه این آدمی که با سلامت کامل جسم و روح به جنگ رفته الان به‌گونه‌ای برگشته که به خاطر موج گرفتگی تعادل روحی ندارد. واقعیت‌گرایی یعنی اینکه که شما نیایی و این آدم‌ها را بدون توجه به مشکلات عدیده‌ای که دارند تبدیل به ویتروین‌های خوش آب و رنگ کنید و با آن‌ها پز ایدئولوژیک دهید. جالب‌ترین بخش صحبت‌های مشتاق جایی است که او به برخورد مرکز سفارش‌دهنده اثر پس از دیدن مستندهای تولید شده اشاره می‌کند: «این کار به سفارش مرکز امور زنان ریاست جمهوری دوره آقای احمدی‌نژاد بود. من وقتی به مدیر وقت این مرکز محصول نهایی را نشان دادم با عصبانیت به من گفتند شما خجالت نمی‌کشید این مستندها را ساختید؟ شما با این مستندها نشان می‌دهید نظام برای بازمانده‌های جنگ هیچ کاری نکرده است. این مستند خوش شانس بود چون در ماه‌های آخر دولت قبل که انتقادات به آن زیاد شده بود، تلویزیون به دلیل باز شدن همین فضا حاضر شد آن را پخش کند. که این اتفاق خوبی بود که برای این مستندها افتاد و موجب شد تا کار دیده شود.»



روایت باشکوه دوران زندیه

مستند «بهار، نارنج، بی بهار، نارنج» سعی کرده از زاویه‌ای تازه زندگی و حکومت کریمخان زند روایت کند. پویان کاظمی از تجربه ساخت این فیلم می‌گوید

عرفان جلالی

jalali_erfan@yahoo.com

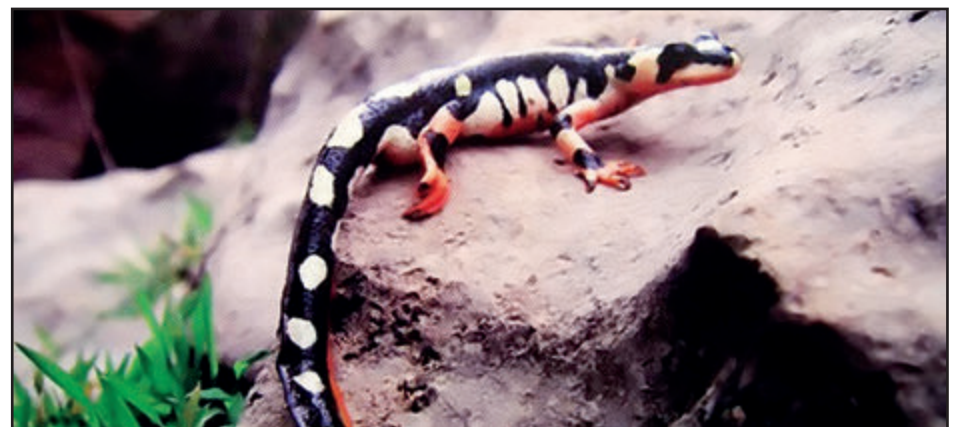
مستند «بهار، نارنج، بی بهار، نارنج» روایتگر بخشی از زندگی و حکومت کریمخان زند است و تفکرات سیاسی و اقتصادی او را به بهانه مسجد و بازار وکیل روایت می‌کند. کریمخان بانی این اماکن تاریخی است و فیلم وضعیت و شرایط بازار پس از مرگ او را نیز به تصویر می‌کشد. پویان کاظمی کارگردان فیلم معتقد است در این مستند توانسته شیوه‌ای تازه در بیان رویدادی تاریخی بکار گیرد. او می‌گوید: «با این فیلم سعی کردم تا مستندسازی تاریخی را به سمت دیگری ببرم. به همین دلیل با وجود آنکه فیلم با حداقل بودجه ساخته شده، وسواس زیادی در تصویربرداری، طراحی صحنه، لباس، گریم، فضا سازی‌ها و رنگ‌ها داشتیم و فکر می‌کنم این مستند از این بابت با فیلم‌های سینمایی تاریخی برابری می‌کند. سعی کردیم تا طراحی لباس‌ها و گریم در حد استاندارد باشد. تصویربردار این فیلم علی لقمانی، طراح صحنه و لباس ملک جهان خزاعی از عوامل حرفه‌ای سینمای ایران هستند.» او معتقد است فیلمش نه تنها اطلاعات ناب تاریخی دارد که از لحاظ بصری هم ویژه است.

مستند علمی، زیست محیطی

امپراتور جانوران

امپراتور یکی از جانوران نادر و کمیاب دنیا است که تنها در ایران دیده شده

مستند «امپراتور» به کارگردانی ناصر ناصرپور، درباره یک گروه تحقیقاتی محیط زیستی متشکل از چند کارشناس و جانورشناس است که در صدد یافتن زیستگاه یک جانور دوزیست نادر و کمیاب هستند. این جانور فقط در جنوب لرستان و ارتفاعات رشته کوه زاگرس وجود دارد که آن هم در حال انقراض است. ناصر ناصرپور، کارگردان امپراتور درباره این مستند می‌گوید: «هنگامی که از وجود این جانور در مناطقی از ایران مطلع شدم و فهمیدم که در هیچ جای دنیا چنین موجودی یافت نمی‌شود به این موضوع بسیار علاقه‌مند شدم و شروع به تحقیقات در این زمینه کردم. هرچقدر بیشتر تحقیق کردم و جلوتر می‌رفتم انگیزه و علاقه‌ام به این موضوع بیشتر می‌شد تا اینکه تصمیم به ساخت آن در قالب یک مستند گرفتم.»



قهقشه شناسی

اصفهان در بوق کارخانه‌ها
کارگردان: بهروز ملبوس باف
درباره فیلم: فیلم اصفهان در بوق کارخانه‌ها درباره کارگردانی است که می‌خواهد با ورود به یکی از کارخانه‌های نساجی قدیمی اصفهان فیلمی بسازد اما اجازه ورود به او داده نمی‌شود.



صنعت نساجی در نصف جهان

بهروز ملبوس باف

در مستند «اصفهان در بوق کارخانه‌ها» سعی کرده‌ام حیات اجتماعی صنعت نساجی در اصفهان را به تصویر بکشم. دورانی در فاصله سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۳۲ در مرکزی‌ترین مناطق این شهر که همزمان با طرح‌های نوسازی رضاشاه پهلوی بر روی ویرانه‌های کاخ‌های صفوی کارخانه‌های مدرن نساجی ساخته می‌شود. با احداث این کارخانه‌ها اصفهان که دیگر پس از دوران صفوی وارد دوران رکود و سرانجامی شده بود بار دیگر رونق می‌گیرد و اکثر مردم این شهر زندگی و اقتصادشان با این کارخانه‌ها می‌گذرد. اما با ورود متفقین به کشور بار دیگر تحولاتی پدید می‌آید و جریان مبارزه با سرمایه داری سراسر کشور را فرا می‌گیرد. اصفهان هم به دنبال این ماجرا به صحنه نزاع و زد و خورد احزاب گوناگون و کارگران با سرمایه‌داران تبدیل می‌شود. در این فیلم تلاش کرده‌ام به بهانه روایت زندگی و اقدامات یکی از سرمایه‌داران بزرگ اصفهان که در آن دوران حضور فعالی داشته، تغییر و تحولات اجتماعی ناشی از پیشرفت‌های صنعتی را بر یک جامعه و تأثیرات آن روی ابعاد مختلف زندگی مردم و... را به تصویر بکشم. شاید دشوارترین بخش تولید این پروژه، مرحله تحقیقات آن بود. به دلیل کمبود منابع مکتوب و تصویری مرحله تحقیق و پژوهش مستند بسیار دشوار و زمان بر بود.



Don't Lose Your Chance to Watch the Best! (Full & Mid-length)

Here, you can follow our suggested documentary films for watching. The following have been recommended, specifically for the mid-length section: 'The Heaven's Door' directed by Richard Chevallier and 'The Sound Inside (Oires)' by David Arratibel from Spain. And if you are interesting enough in watching full-length movies, we strongly recommend you take time to watch 'The Karims – A Sporting Dynasty' by Amit Tygi, 'The Palace' by Tomasz Wolski, besides 'Plot for Peace' by Mandy Jacobson. Among the above, there are two films selected because of their interesting theme: first, 'Plot for Peace' is about a well-kept secret behind the world-wide icon: Nelson Mandela. And the second one is 'The Sound Inside' showing four tinnitus sufferers feature as actors and director.



پایان پنهان کاری تاریخ
 نقشه صلح / افریقای جنوبی ۲۰۱۳

کارلوس آلولو و مندی یاکوبسن به طور مشترک کارگردانی این اثر ۸۴ دقیقه‌ای را به انجام رسانده‌اند. مضمون این اثر بلند پرده‌برداری از حقایق ناگفته‌ای است که در پس هزار توهان پیچیده تاریخ پنهان مانده است. استغان اسمیت که فیلمنامه این اثر را نگاشته، به سراغ مقامات عالی رتبه دولتی، ژنرال‌ها، دیپلمات‌ها، جاسوس‌های ارشد و چیره دست و مبارزان ضد آپارتاید رفته و آنها برای نخستین بار از رازهای سر به مهری که در پس آزادی نلسون ماندا پنهان مانده بود، پرده برداشته‌اند.



هدیه ننگین تاریخ
 کلخ / لهستان ۲۰۱۲

این مستند ۸۲ دقیقه‌ای درباره کاخ فرهنگ و علوم در شهر ورشو است که هدیه‌ای نفرت‌انگیز از دوران استالین به شمار می‌رود. پس از تغییرات بنیادین نظام حاکم بر لهستان، برخی پیشنهادهای تخریب این بنا را مطرح کردند. این در حالی است که این کاخ همچنان پابرجاست و اتفاقاً نبض تپنده صدها دفتر اداری است که زندگی روزمره در آنها جریان دارد. این یادگاری ننگین همچنین شامل یک سالن تئاتر، کنسرت و سینماست و حتی شورای شهر ورشو نیز دارای یک مقر اختصاصی در آنجا است. توماس ولسکی این اثر را کارگردانی کرده است.



روایت هجرت و ماندگاری
 کریم، قهرمان ورزشی / کنیا ۲۰۱۳

«آمیثا تیگی» نویسنده‌ی و کارگردانی این مستند ۱۱۷ دقیقه‌ای را به انجام رسانده و فیلمبرداری آن را نیز خودش برعهده داشته است. تیگی در این مستند بلند ورزشی ماجرای سه نسل از خانواده کریم را به تصویر می‌کشد که در اوایل دهه ۱۹۲۰ میلادی از هندوستان به کنیا مهاجرت کردند. تیگی پیش از این در سال‌های ۱۹۸۱ و ۲۰۱۳ به ترتیب به عنوان دستیار تدوین و بازیگر در دو پروژه سینمایی ایفای نقش کرده و این بار توانایی‌های خودش را با ساخت یک مستند بلند به بوته آزمایش نهاده است.

فیلم بلند



درخشش آفتاب ایمان در قلب‌های وفادار — دروازه‌های بهشت / فرانسه ۲۰۱۳

مستند ۴۲ دقیقه‌ای «در دروازه‌های بهشت» را ریشار شوالیه تهیه و کارگردانی کرده است. شوالیه در این اثر نیمه‌بلند مخاطب خود را به خانه سالمندانی در قلب پاریس می‌برد؛ جایی که راهب و راهبه‌های بازنشسته در آنجا نگهداری می‌شوند. بعضی از آنها بیش از یک قرن سن دارند و در این مستند به زندگی گذشته خود نگاهی انداخته‌اند. در پس شهادت آنها به میزان سرسپردگی و ایمان‌شان، نوری شگفت‌انگیز به چشم می‌خورد که حتی در زندگی روزمره‌شان نیز جاری است.



گوش‌ها برای که به صدا در می‌آیند؟! — صدای درون / اسپانیا ۲۰۱۳

«داوید آراتیبل» کارگردان این مستند ۵۳ دقیقه‌ای است که فیلمبرداری آن را نیز خودش برعهده داشته است. این مستند آموزنده این فرصت را در اختیار مخاطب خود قرار می‌دهد تا بر پرده نقره‌ای رنگ سینما بتواند مشکل افرادی را که به بیماری «وزوز گوش» مبتلا هستند به شکلی واقعی لمس کند. آراتیبل که خود از سن ۱۶ سالگی با چنین مشکلی دست به گریبان بوده، فیلم خود را ملغمه‌ای از یک اثر آموزنده و فرهنگی می‌داند که نظیر آن تاکنون کمتر تولید شده است.

نیمه بلند



Don't Lose Your Chance to Watch the Best! (Portrait & Special Section)

For the Special Section, there is a spectacular selection as the following: 'Give up Tomorrow' directed by Michael Collins and Marty Syjuco and 'Ain't Misbehaving' directed by Marcel Ophuls. But if you are curious to watch the section of Portrait, you have the choice to see these films: 'The Search of Emak Baka' directed by Oskar Alegria, 'The Pioneer' directed by Daniela Abker, and 'Captivity' by André Gil Mata. We strongly recommend you to try to watch the Spanish film, 'The Search of Emak Baka', which shows the creator of this film, starting a search to find a house from which he has only three views: the image of its front door, two columns of a window, and a section of nearby coast. Also, there is another film, named 'Give up Tomorrow', is not your usual suspense story of a man wrongly accused.

پرتبه



انجماد در قفس خاطرات گذشته
اسارت / پرتغال ۲۰۱۲

آندره گیل ماتا، نویسنده و کارگردان، در این مستند ۶۴ دقیقه‌ای مفهوم حقیقی اسارت را به تصویر می‌کشد. گیل ماتا نشان می‌دهد که انسان به اسارت درآمده که در فضا و زمان محدود شده، تنها و لزوماً فرد زندانی نیست. انسانی است که در میان خاطراتش و خانه‌ای که گذشته او را در خود جای داده، به بند کشیده شده است. این فیلم مستند درباره زنی است که تمام ۹۱ سال زندگی‌اش را است از بدو تولد تا کنون در خانه‌ای که ساکن آن است سپری کرده است.



در ستایش یک اسطوره ناشناس
پیشگام / آلمان ۲۰۱۲

«پیشگام» ما را به نخستین روزهای پیدایش سینما برمی‌گرداند؛ پاریس، ۱۸۹۶ نخستین نمایش عمومی فیلم. آلیس گوی، نخستین فیلمساز زنی است که پتانسیل‌های رسانه را شناخت و پیش از مرگش در سن ۹۴ سالگی صدها فیلم ساخت. این مستند ۱۳ دقیقه‌ای که دانیلا آیک کارگردانی و نویسندگی آن را برعهده داشته، ادای دینی است به شور و اشتیاق زنی تقریباً ناشناس که به همراه برادران لومیسر و ژرژ ملی یس تاریخ سینما را نگاشته است.



معمای مرموز عمارت گمشده
جستجو برای اماک باکیا / اسپانیا ۲۰۱۲

ماجرای این مستند اسپانیایی، جست‌وجو در ابعاد پنهان فیلمی آوانگارد با عنوان «اماک باکیا» است که در سال ۱۹۲۶ توسط من ری (یا همان امانوئل رادینسکی) کارگردانی شد. اسکار الگریا که کارگردانی این اثر ۸۳ دقیقه‌ای را برعهده داشته، به دنبال عمارتی به همین نام است که در فیلم ری به چشم می‌خورد و در شهری ساحلی در جنوب غربی فرانسه قرار دارد. الگریا در حالی دست به این گشت و گذار ماجراجویانه می‌زند که تنها سه نما از این عمارت در اختیار دارد: در جلویی، ستون‌های یک پنجره و بخشی از ساحل مجاور.

نمایش ویژه

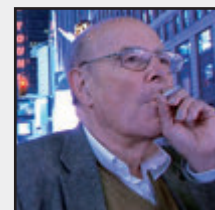
حقیقت پنهان در سال‌های از دست رفته — مردی بدون آینده / امریکا ۲۰۱۳

مستند امریکایی «مردی بدون آینده» را مایکل کالینز و مارتی سیجوکو به طور مشترک کارگردانی کرده‌اند. کالینز که نویسندگی این فیلم مستند را نیز برعهده داشته، اثری را پیش چشم مخاطبش قرار می‌دهد که نه مشابه داستان‌هایی که قهرمانش به اشتباه متهم شده دارای تعلیق‌های معمول است و نه «پاکو» از آن دست قهرمان‌های معمولی است. در این اثر مخاطب بین واقعیات و احساسات، شواهد و پیش‌داوری‌ها سرگردان می‌شود. اما چه کسی می‌داند پاکو بیش از یک دهه است که تاوان کدامین جنایت را پس می‌دهد.



زندگی منحصر به فرد افولس‌ها — ما بی‌ادب نیستیم / فرانسه ۲۰۱۳

کارگردانی این فیلم ۶۹ دقیقه‌ای را مارسل افولس، استاد مستندسازی، به انجام رسانده است. افولس در این اثر نگاهی دارد به زندگی شخصی منحصر به فرد خودش و خاطراتی که به شکلی دقیق و سرگرم‌کننده بازگو می‌شوند. این خاطرات دربرگیرنده افراد و بخش‌های مختلفی از زندگی جذاب و شگفت‌انگیز افولس است. او به ویژه خاطراتی شنیدنی از پدر مشهورش، ماکس افولس، کارگردان فیلم‌های شاهکاری نظیر «گوشواره‌های خانم ... / ۱۹۵۳» روایت می‌کند.



گفت و گوی ویژه

امسال برای سینمای مستند، سال گذار است

ادامه از صفحه ۹

به عنوان کسی که زیاد سفر می‌کند و فیلم‌هایش به جشنواره‌های فراوانی راه پیدا کرده، فکر می‌کنید جشنواره سینما حقیقت در مقایسه با مستند دنیا در چه جایگاهی قرار دارد؟

از آخر شروع می‌کنم. یکی از مهمترین موارد این است که اختتامیه جشنواره ما چند ساعت طول می‌کشد، اما اختتامیه «یتفا» یک ساعت است. آن‌ها یک سالن کوچک دارند که فقط فیلمسازها هستند و برگزار کننده‌ها و خبرنگارها. آنجا سینما، فیلم و گفتگوهای بعد از فیلم مهم است. یکی دیگر از تفاوت‌ها در بولتن هاست. بولتن‌های ما زنده نیست. بولتن‌های ما تا به حال نگاه چالشی و همزمان با جشنواره نداشته‌اند. نویسندگان بولتن‌ها و جشنواره‌های ما لامپ‌های روشنی هستند که مردم باید آن‌ها را ببینند و این ظلم است وقتی فیلمی را نشناسند و سراغ آن بروند. نکته بعدی فراموش کردن جایزه است. گاهی اوقات فیلم‌های ما دیده می‌شوند اما جایزه نمی‌گیرند مردم این فیلم‌ها را می‌بینند و کاری به جایزه ندارند.

درباره وضعیت خود آثار، انتخاب‌ها و داورها چطور؟

به نظرم نمایش ۱۱۸ فیلم در جشنواره اتفاق خیلی عجیبی است. کدام آدم را می‌توانید پیدا کنید که بخواهد فیلم‌های جشنواره را ببیند؟ فیلم‌های بخش مسابقه یک جشنواره باید بین ۲۰ تا ۳۰ فیلم باشد. «یتفا» که بزرگترین جشنواره دنیا در این زمینه است ۱۰ فیلم در بخش مسابقه دارد، ۱۰ فیلم در بخش کوتاه ۱۰، فیلم بلند ۱۰ و ۱۰ فیلم نیمه بلند به اضافه دو سه بخش دیگر. با این حال امسال از آنجایی که ۴-۵ مدرس فیلم‌های مستند جهان در این جشنواره حضور پیدا می‌کنند وضعیت یک مقدار امیدوار کننده‌است. این اساتید، رزومه‌های مشخصی دارند و خیلی از مستندسازان بزرگ جهان زیر نظر آنها پرورش پیدا کرده‌اند. به نظر من باید آدم‌هایی شبیه این‌ها باید بیشتر در این جشنواره‌ها حضور پیدا کنند. مراکز گسترش هم باید کمک کنند و فضایی بدهند تا مراکز آموزش خصوصی ترغیب شوند کارگاه‌های مختلفی با حضور این اساتید در طول سال برگزار کنند.

عکس روز



آرامش قبل از توفان

سینماهای فلسطین و سپیده برای علاقه‌مندان به سینمای مستند اسم‌های جذابی هستند. نمایش فیلم‌های جشنواره سینما حقیقت در این دو سینما فرصتی مغتنم برای علاقه‌مندیانی است که شاید در طول سال کمتر امکان تماشای آثار مستند برای‌شان فراهم است. عکس بالا حال‌وهوای سینما فلسطین یک شب قبل از جشنواره را نشان می‌دهد. شبی بارانی که آرامش این سینما و خیابان اطرافش را دوچندان کرده. این آرامش از امروز با حضور عاشقان سینمای مستند توفانی می‌شود.

مدیر مسئول: دکتر محمد مهدی طباطبایی نژاد
 سر دبیر: آرش خوشخو
 دبیر تحریریه: وحید سعیدی
 دبیر اجرایی: مرجان فاطمی
 سینمای ایران: احمد رنجبر
 بخش بین الملل: آپدا تدین
 مدیر هنری: محمد هاشمی
 عکس: حامد خورشیدی

با سپاس ویژه از: آنتونیا شرکا، مهرداد اسکویی و سید شهاب حسینی

حقیقت

نشریه روزانه هفتمین جشنواره بین المللی فیلم مستند ایران

زیر نظر روابط عمومی مرکز گسترش سینمای مستند تجربی

در آینه رسانه

تیرهای مستند

اخبار ارسالی از سوی روابط عمومی جشنواره متنوع و زیاد بوده و رسانه‌ها هم پوشش چشمگیری از اخبار و اتفاقات جشنواره هفتم سینما حقیقت داشته‌اند. همکاران مان در روزنامه‌ها، خبرگزاری‌ها و سایت‌های مختلف خبری در روزهای منتهی به جشنواره خبرهای مربوط به آن را منعکس کرده‌اند.

یک منوی پیشنهادی

خبرگزاری ایسنا مروری بر مستندهای بخش انقلاب و دفاع مقدس داشت و گزارشی مبسوط از فیلم‌های این بخش روی خروجی‌اش فرستاد. خبرگزاری‌های مهر و فارس اخبار مختلف جشنواره را منعکس کردند و از گردهمایی مستندسازان و برنامه‌های ویژه روز اول خبر دادند. خبرگزاری تسنیم هم در کنار اخبار مختلف، خبر معرفی داوران انجمن نویسندگان و منتقدان سینمای ایران در جشنواره هفتم را روی خروجی‌اش قرار داد. شبکه ایران برنامه‌های روز اول را با ذکر ساعت و محل برپایی، منویی کامل در اختیار کاربران قرار داد. روزنامه هفت‌صبح هم صفحه‌ای ویژه تدارک دید و در گزارشی کامل فیلم‌های بخش‌های مختلف را برای مخاطبان‌ش منتشر کرد.

ماندای محبوب

همزمانی درگذشت نلسون ماندلا با نمایش فیلم مستند بلند «نقشه صلح» درباره این رهبر جنبش ضدآپارتاید آفریقای جنوبی بازتاب فراوانی در رسانه‌ها داشت. باشگاه خبرنگاران جوان در کنار دیگر خبرهای جشنواره این خبر را به صورت ویژه منعکس کرد.

گفت‌وگوهای اختصاصی

رسانه‌ها در کنار انعکاس اخبار ارسالی از سوی ستاد خبری جشنواره، خودشان هم آستین بالا زدند و به بهانه برگزاری جشنواره مستند با هنرمندان این حوزه گفت‌وگوهایی انجام دادند. خبرگزاری برنا سراغ مهوش شیخ‌الاسلامی رفت و نظرش را درباره سینمای مستند جویا شد. روزنامه اعتماد هم پای صحبت‌های علیرضا حسینی نشست و از حال و روز سینمای مستند پرسیده. گلایه‌های این مستندساز قطعاً دغدغه مسئولان جدید هم هست.

مستندی درباره سه رئیس جمهور خیرساز
 فیلم «انقلاب سیاست» به کارگردانی حمید اکبری امروز روی پرده می‌رود. این فیلم که درباره سه رئیس‌جمهور خیرساز محمود احمدی‌نژاد، هوش چاوز و جرج بوش است، پس از پنج سال ممنوعیت نمایش ساعت ۱۴ امروز در سالن شماره ۳ سینما فلسطین به نمایش درمی‌آید. مراحل تولید فیلم مستند بلند «انقلابی سیاست» از سال ۱۳۸۵ آغاز شد و کارگردان پس از سفر به کشور و زور و تلاش و دیدار با هوش چاوز و سایر شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی و نقد دشمن مشترک تولید این فیلم را به اتمام رساند. این مستند به نحوی به اشتراکات دو رئیس‌جمهور ایران و ونزوئلا و نقد دشمن مشترک آن‌ها (آمریکا - جورج بوش) می‌پردازد.